

پیشنهاد جابه جایی روزهای خاموشی برق صنایع با روز تعطیل کارگران روی میز دولت

قطعی برق جمعه کارگران را پُراند

۲

رویارویی نسل‌ها در دنیای مجازی

انتشار ویدئوهای حضور گسترده نوجوانان در یک رویداد، شکاف میان نسل‌ها را آشکار کرد

۵

صحنه تئاتر هرمزگان خاموش نشد

در میانه حملات مکرر آمریکا و گرمای ۵۰ درجه

۸

ریل ایلام معطل بودجه

طرح اتصال ایلام به شبکه ریلی کشور ۱۴ سال پیش آغاز شد، اما با پیشرفت ۲۰ درصدی همچنان با سرعتی کند پیش می‌رود

۷

یادداشت

تغییر مدیر بدون تغییر در نسبت مسئولیت و اختیار

ایمان ابراهیمی

احفاظنگرا

۳

خبراش

ضیافت سالانه انجمن خبرنگاران کاخ سفید به صحنه تقدیر از افشاگران رابطه ترامپ و اپستین تبدیل شد

شب‌ی که خبرنگاران مقابل ترامپ ایستادند

ایپام ۱۱ شبی که قرار بود به پاسداشت آزادی مطبوعات اختصاص داشته باشد، برای «دونالد ترامپ» به شبی دشوار تبدیل شد. او ناچار بود لببند بزند و برندگان را تشویق کند، درحالی که معتبرترین جایزه مراسم به خبرنگارانی اهدا می‌شد که با گزارش‌هایشان درباره رابطه گذشته او با «جفری اپستین»، خشم رئیس‌جمهور آمریکا را برانگیخته بودند.

مراسم شام سالانه انجمن خبرنگاران کاخ سفید، چند ماه پس از حمله نافرجام به مراسم قبلی و این بار با تدابیر امنیتی شدیدتر برگزار شد. این نخستین حضور ترامپ در این گردهمایی به عنوان رئیس‌جمهور بود، اما مهم‌ترین اتفاق شب نه سخنرانی او، بلکه اهدای جایزه «کاترین گراهام برای شجاعت و پاسخ‌گویی» به تیم روزنامه وال‌استریت ژورنال بود. «ولف بلتزجر»، مجری باسابقه شبکه «سی‌ان‌ان»، هنگام اعلام برندگان، از گزارش‌های این روزنامه درباره روابط گذشته ترامپ با جفری اپستین تقدیر کرد؛ گزارش‌هایی که یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های رسانه‌ای سال را رقم زد و واکنش تند رئیس‌جمهور آمریکا را به دنبال داشت. این لحظه یکی از متناقض‌ترین صحنه‌های مراسم بود. ترامپ که سال‌هاست رسانه‌های جریان اصلی را به انتشار «اخبار جعلی» متهم می‌کند و به‌دلیل همین گزارش‌ها شکایتی ۴۰ میلیارد دلاری علیه وال‌استریت ژورنال مطرح کرده است، ناچار شد روی صندلی خود بنشیند، برندگان را تشویق کند و در پایان با اعضای این تیم دست بدهد. در میان برندگان، خبرنگاری نیز حضور داشت که پس از افشای نشانی محل سکونتش در متن شکایت ترامپ علیه این روزنامه، همراه خانواده‌اش ناچار به ترک خانه شد. باین‌حال، او نیز برای دریافت جایزه روی صحنه رفت و مقابل نگاه حاضران با رئیس‌جمهور دست داد. ترامپ کمی بعد در سخنانش گفت: «امیدوارم همه شما بدانید که من بیش از هر کسی در این اتاق به آزادی مطبوعات اعتقاد دارم.» این ادعا در شرایطی مطرح شد که دولت او هم‌زمان برای شماری از خبرنگاران نیویورک‌تایمز و حتی بعضی از بستگان‌شان احضاریه قضایی صادر کرده بود. این اقدام پس از انتشار گزارشی درباره نارسایی‌های امنیتی هواپیمای جدید ریاست‌جمهوری انجام شد و بار دیگر انتقادها از برخورد دولت ترامپ با رسانه‌ها را افزایش داد.

سخنرانی رئیس‌جمهور آمریکا خیلی زود به مسیر همیشگی باژگشت؛ حمله به منتقدان، تفسیر سیاستمداران دموکرات و توهین به کم‌دین‌هایی که سال‌ها او را دست‌انداخته‌اند. او «آدام شیف» را «سر هندوآشای» خواند و «جیمی کیمل»، «جیمی فالون» و «استیون کولبر» را «بی‌استعداد» توصیف کرد. ترامپ حتی با شوخی درباره «ایریت اف. کندی جونپور»، وزیر بهداشت دولتش، حاضران را خنداند. با طولانی شدن سخنرانی، توجه بخشی از حاضران از بین رفت و شماری از آنها به تلفن‌های همراهشان خیره شدند. سرانجام با پخش آهنگ «YMCA» در سالن، سخنرانی ۶۵ دقیقه‌ای ترامپ پایان یافت؛ شبی که برای تجلیل از آزادی مطبوعات و شجاعت روزنامه‌نگاران ترتیب داده شده بود، اما پیش از هر چیز، رابطه پرتنش رئیس‌جمهور آمریکا با رسانه‌های منتقد را به نمایش گذاشت. آگاردین

پنج روز بعد از واژگون شدن خودروی مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست خوزستان حین تعقیب شکارچیان غیرمجاز در محدوده تالاب هورالعظیم، محیطبان خوزستان هنوز بی‌هوش است

ابزارهای نوین حفاظت گرفتار مجوزها

۳



گفت‌وگوی «پیام‌ما» با خانواده‌های هفت شهید
حمله آمریکابه پل‌های شهرستان خمیر

حدیث دردمندی بازماندگان

خبر

«شاهوار» در انتظار تصمیم نهایی

دستور پزشک‌یان امیدها را افزایش داد

بازاریان و دیگر اقشار جامعه پیگیری می‌شود. این مطالبه در سال‌های گذشته، با همراهی شخصیت‌های علمی، مذهبی و سیاسی، به یکی از مهم‌ترین خواسته‌های عمومی مردم شاهرود تبدیل شده است. گرفتن نظر سازمان حفاظت محیط‌زیست، بار دیگر مطالبه دیرینه مردم شاهرود برای صیانت از مهم‌ترین کانون آبشار شرق استان سمنان را در کانون توجه قرار داده است. ورود رئیس‌جمهور به پرونده شاهوار و تأکید بر ملاک قرار گرفتن نظر سازمان حفاظت محیط‌زیست، بار دیگر مطالبه دیرینه مردم شاهرود برای صیانت از مهم‌ترین کانون آبشار شرق استان سمنان را در کانون توجه قرار داده است. مطالبه صیانت از کوهستان شاهوار، بلندترین قله البرز شرقی و مهم‌ترین کانون آبشار شرق استان سمنان، بیش از ۱۵ سال است که از سوی مردم، رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، خانواده‌های معظم شهدا، کنشگران محیط‌زیست، انمه جمعه، دانشگاهیان،

اندا شمس

اخبرنگار

ورود رئیس‌جمهور به پرونده شاهوار و تأکید بر ملاک قرار گرفتن نظر سازمان حفاظت محیط‌زیست، بار دیگر مطالبه دیرینه مردم شاهرود برای صیانت از مهم‌ترین کانون آبشار شرق استان سمنان را در کانون توجه قرار داده است.

مطالبه صیانت از کوهستان شاهوار، بلندترین قله البرز شرقی و مهم‌ترین کانون آبشار شرق استان سمنان، بیش از ۱۵ سال است که از سوی مردم، رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، خانواده‌های معظم شهدا، کنشگران محیط‌زیست، انمه جمعه، دانشگاهیان،

برای نخستین بار تولید برق پاک از برق زغال سنگی بیشتر می‌شود

ورق انرژی جهان برمی‌گردد

انگین شریفی

اخبرنگار

تجدیدپذیر رشد خواهد کرد. پیش‌بینی می‌شود تولید برق خورشیدی امسال ۶۱۰ تراوات‌ساعت افزایش یابد؛ یعنی ۲۳ درصد بیشتر از سال گذشته. این رشد در سال ۲۰۲۷ نیز ادامه خواهد داشت، هرچند سرعت آن به حدود ۱۷ درصد کاهش می‌یابد. با این افزایش، خورشیدی از باد جلو می‌زند و پس از برقی‌ایی، به دومین منبع بزرگ تولید برق تجدیدپذیر در جهان تبدیل می‌شود. چین همچنان بازیگر اصلی این بازار است و نییمی از افزایش تولید برق خورشیدی جهان را به خود اختصاص می‌دهد. درعین‌حال، هند و دیگر کشورهای آسیایی نیز با سرعت بیشتری وارد این عرصه شده‌اند. سهم این کشورها از رشد تولید برق خورشیدی، از ده درصد در سال ۲۰۲۵ به حدود ۱۷ درصد در سال ۲۰۲۶ می‌رسد.

تولید برق بادی نیز امسال حدود شش درصد افزایش می‌یابد، اما رشد آن در همه مناطق یکسان نیست. در چین، کاهش سرعت باد و محدودیت شبکه برق باعث شده است رشد تولید به کمتر از پنج درصد برسد. در اتحادیه اروپا اما وضع متفاوت است. این منطقه پس از یک سال نامساعد برای تولید برق بادی، در سال ۲۰۲۶ رشد ۹ درصدی را تجربه خواهد کرد.

برقی‌ایی همچنان بزرگ‌ترین منبع تجدیدپذیر جهان

در دوران مسئولیت خود در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، یادآور شد نتایج این مطالعات، آثار و پیامدهای فعالیت معدن را برای منطقه زیان‌بار ارزیابی کرده بود. جلالی با اشاره به موضع سازمان حفاظت محیط‌زیست و مطالبه مستمر مردم شاهرود، از رئیس‌جمهور خواست تصمیم‌گیری درباره آینده شاهوار بر پایه نظر تخصصی سازمان حفاظت محیط‌زیست انجام شود.

بر اساس تصویر منتشرشده از این مکاتبه، رئیس‌جمهور نیز در ذیل این نامه خطاب به وزیر صنعت، معدن و تجارت دستور داده است: «حل مشکل با توجه به نظر محیط‌زیست باشد.» این دستور از سوی بسیاری از فعالان محیط‌زیست و مطالبه‌گران صیانت از شاهوار نشانه‌ای از توجه دولت به این مطالبه عمومی و تأکید بر محوریت نظر کارشناسی سازمان حفاظت محیط‌زیست تلقی شده است.

سازمان حفاظت محیط‌زیست پیش از این نیز در مقاطع مختلف مخالفت خود را با تداوم معدن‌کاری در کوهستان شاهوار اعلام کرده بود. از جمله، این سازمان در نامه شماره ۱۴۰۵/۱۱۰۸۵۹ مورخ ۲۳ تیر ۱۴۰۴، مخالفت خود را با ادامه فعالیت معدن بوکسیت اعلام کرده است.

است، اما امسال رشد چندانی نخواهد داشت. انتظار می‌رود تولید این بخش کمتر از دو درصد افزایش یابد. کاهش بارندگی در آمریکای لاتین، تحت‌تأثیر پدیده ال‌نینو، یکی از مهم‌ترین دلایل این رشد اندک است.

برق پاک کی هدر می‌رود

افزایش ظرفیت نیروگاه‌های خورشیدی و بادی به‌تنهایی کافی نیست. اگر شبکه برق توان انتقال و استفاده از انرژی تولیدشده را نداشته باشد، بخشی از آن هدر خواهد رفت. این مشکل اکنون به یکی از موانع اصلی توسعه تجدیدپذیرها تبدیل شده است. برای نمونه، در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۶، حدود ۸.۶ درصد از برق بادی و ۹.۴ درصد از برق خورشیدی چین به‌دلیل محدودیت شبکه قابل‌استفاده نبوده است. به بیان ساده، نیروگاه‌ها برق تولید کرده‌اند، اما شبکه توان دریافت و انتقال همه آن را نداشته است.

آژانس بین‌المللی انرژی برای حل این مشکل بر سه اقدام تأکید دارد: توسعه شبکه‌های انتقال، افزایش ظرفیت باتری‌ها برای ذخیره برق و اصلاح قیمت‌گذاری برق در بازار انرژی. بدون این اقدامات، افزایش شمار نیروگاه‌ها الزاماً به معنای استفاده بیشتر از برق پاک نخواهد بود.

تجدیدپذیرها؛ سپری در برابر بحران انرژی

جنگ در خاورمیانه و اختلال در تنگه هرمز، بار دیگر آسیب‌پذیری بازار انرژی را آشکار کرد. افزایش قیمت گاز باعث شد بعضی کشورها به‌طور موقت مصرف زغال‌سنگ را بالا ببرند؛ اتفاقی که انتشار دی‌اکسیدکربن بخش برق را در سال ۲۰۲۶ حدود یک درصد افزایش داد.

از بقایای جنگ جهانی تافسیل ماهی‌ها

در چهل‌وهشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو چه آثاری تصویب شد؟

۶

کوهستان شاهوار، به‌عنوان یکی از ارزشمندترین زیست‌بوم‌های کشور از سوی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی نیز در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. با این حال، موضوع ادامه فعالیت معدن همچنان در دستور کار برخی دستگاه‌های مسئول قرار دارد و این مسئله از دغدغه‌های اصلی افکار عمومی و دوستداران محیط‌زیست به شمار می‌رود. اکنون مردم شاهرود امیدوارند با دستور رئیس‌جمهور و ملاک قرار گرفتن نظر تخصصی سازمان حفاظت محیط‌زیست، تصمیمی نهایی و ماندگار برای صیانت از شاهوار منابع آبی و حقوق نسل‌های آینده اتخاذ شود. در عین‌حال، انتظار عمومی بر این است که دستگاه‌های نظارتی و مسئولان ذی‌ربط نیز با بررسی دقیق روند تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد دستگاه‌های اجرایی مرتبط، نسبت به هرگونه ترک فعل احتمالی یا کوتاهی در اجرای قوانین و صیانت از این سرمایه ملی ورود کنند. تحقق این مطالبه دیرینه، افزون بر حفاظت از شاهوار می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی، تقویت امید اجتماعی و پاسداشت حقوق مردمی بینجامد که همواره حفظ سرمایه‌های طبیعی سرزمین خود را با جدیت مطالبه کرده‌اند.

همین بحران درعین‌حال مزیت مهم انرژی‌های تجدیدپذیر را نیز نشان داد. نیروگاه‌های خورشیدی و بادی برای تولید برق به خرید روزانه سوخت نیاز ندارند و به همین دلیل، کمتر از نوسان قیمت نفت و گاز تأثیر می‌پذیرند. از این منظر، توسعه تجدیدپذیرها فقط یک برنامه زیست‌محیطی نیست؛ بلکه می‌تواند امنیت انرژی کشورها را نیز افزایش دهد.

البته فراوانی برق تجدیدپذیر مشکلات تازه‌ای هم به همراه آورده است. در اسپانیا، تولید زیاد برق در بعضی ساعات، قیمت‌ها را منفی کرده است؛ یعنی عرضه برق از میزان تقاضا بیشتر بوده و بازار برای مصرف آن هزینه پرداخت کرده است. چنین وضعیتی نشان می‌دهد ذخیره‌سازی برق و مدیریت زمان مصرف، بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است.

بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی، تولید برق تجدیدپذیر در سال ۲۰۲۷ حدود ۹.۵ درصد افزایش خواهد یافت و سهم آن از کل برق جهان به ۳۷ درصد خواهد رسید. در نتیجه، انتشار دی‌اکسیدکربن بخش برق در آن سال تقریباً بدون تغییر می‌ماند و میزان کربن منتشرشده به‌ازای هر واحد برق نیز سالانه به‌طور متوسط سه درصد کاهش می‌یابد.

در اتحادیه اروپا، این تغییر سریع‌تر پیش می‌رود. انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۷ حدود ۲۶ درصد برق این منطقه از منابع کم‌کربن، یعنی انرژی‌های تجدیدپذیر و نیروگاه‌های هسته‌ای، تأمین شود. جهان هنوز از سوخت‌های فسیلی فاصله زیادی نگرفته است، اما سبقت تجدیدپذیرها از زغال‌سنگ نشان می‌دهد توازن قدیمی بازار برق، آرام‌آرام در حال تغییر است.

سهم انرژی‌های

تجدیدپذیر از کل برق

تولیدشده در جهان

که در سال ۲۰۲۵ حدود

۳۳ درصد بود، امسال

به ۳۵ درصد می‌رسد

و در سال ۲۰۲۷ تا

۳۷ درصد افزایش

می‌یابد. بخش عمده

این رشد نیز مدیون

گسترش نیروگاه‌های

خورشیدی است

پنج روز بعد از واژگون شدن خودروی مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست خوزستان حین تعقیب شکارچیان غیرمجاز در محدوده تالاب هورالعظیم، محیطبان خوزستان هنوز بی هوش است

ابزارهای نوین حفاظت، گرفتار مجوزها

بودجه اندکی که برای حفاظت نوین در نظر گرفته شده، محقق نمی‌شود و اجرای آن به دریافت مجوزهای متعدد نیاز دارد. یکی از انجمن‌ها برای پروژه گوزن زرد دوربین‌های تله‌ای خریداری کرده اما ۹ ماه است که در انتظار دریافت مجوز حراست سازمان است



ششمین محیطبان مصدوم در یک ماه اخیر در خوزستان، همچنان در شرایط نگران‌کننده‌ای به سر می‌برد. دو مأمور یگان حفاظت محیط‌زیست خوزستان روز جمعه هنگام تعقیب شکارچیان غیرمجاز مصدوم شدند. حال محیطبان «محمد عرب بیاراتی» که وخیم گزارش شده بود، رو به بهبود است، اما هنوز به هوش نیامده است. چند روز مانده به ۳۱ ژوئیه (۹ مرداد)، روز جهانی محیطبان، مبارزه با متخلفان محیط‌زیست در خوزستان، با شرایط خاص اقلیمی و محدودیت‌های ناشی از جنگ، بار دیگر مسئله حفاظت از جان محیطبان‌ها را پررنگ کرده است. تجهیزات مناسب، حمایت‌های قانونی، تغییر رویکرد در پایش مناطق حفاظت‌شده و استفاده از روش‌های نوین حفاظت، از جمله موضوعاتی‌اند که در یک سال اخیر و با بالاگرفتن آتش جنگ، به حاشیه رفته‌اند.

یگان مرکزی معمولاً در روزهای تعطیل گشت‌های سرزده در مناطق حفاظت‌شده را در برنامه دارد. هفته قبل منطقه حفاظت‌شده «دیمه» در رامهرمز و دو هفته پیش نیز تالاب هورالعظیم در محدوده دشت‌آزادگان پایش شده بود. آن روز نیز فرمانده یگان به همراه سه محیطبان گشت‌زنی را آغاز کردند که از حضور شکارچیان غیرمجاز در منطقه «خفیر» در شرق هورالعظیم باخبرشدند و به سمت آن‌ها رفتند. «محمد الوندی»، فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست خوزستان، به «پیام» می‌گوید: «در هورالعظیم فعالیت شکارچیان غیرمجاز و افرادی که با استفاده از "محمیه" (دامگاه دست‌ساز) پرنده شکار می‌کنند، معمولاً از همین فصل آغاز می‌شود. آن‌ها به دلیل خشک بودن زمین، شروع به حفرکنال و ساخت خاکریز می‌کنند».

او درباره تعقیب خودروی پژو پارس سفیدرنگ شکارچیان غیرمجاز می‌گوید: «خودروی شکارچی‌ها را دیدیم که برای برداشتن لاشه شکار متوقف شده بود. از رویه‌رو به سمتشان حرکت کردیم، اما به محض اینکه متوجه حضور ما شدند، فرار کردند. از فاصله دور نمی‌توانستیم تشخیص دهیم چند نفر هستند، اما معمولاً شکارچیان دیوایسه‌نفره به منطقه می‌آیند. از مسیر دیگری سعی کردیم راهشان را ببندیم، اما آن‌ها دوباره مسیرشان را تغییر دادند. دو نفر از محیطبان‌ها از خودرو پیاده شدند تا اگر موفق به مسدودکردن مسیر شدیم، آن‌ها را دستگیر کنند. من و محیطبان بیاراتی تعقیب را ادامه دادیم. سرعت آن‌ها بسیار زیاد بود و فاصله قابل توجهی با ما داشتند. جاده‌های این منطقه عمدتاً خاکی است و گردوغبار ناشی از حرکت خودروهای شکارچیان، دید ما را محدود می‌کرد. از سوی دیگر، جاده‌های خاکی ناهمواری‌ها و آب‌سنگسی‌های زیادی دارند.»

حدود ساعت ۸:۳۰ صبح، خودروی محیطبانان در یکی از



نادره واثلی‌زاده |

روزنامه‌نگار |

صبح جمعه، خودروی مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست خوزستان هنگام تعقیب شکارچیان غیرمجاز در محدوده تالاب هورالعظیم واژگون شد و دو محیطبان مصدوم شدند. «محمد الوندی»، فرمانده یگان حفاظت محیط‌زیست خوزستان، از ناحیه دست دچار شکستگی شد. محیطبان «محمد عرب بیاراتی» نیز که هنگام واژگونی خودرو به بیرون پرتاب شده بود، از همان لحظه بی‌هوش شد. خبرها تا زمان تنظیم این گزارش از افزایش سطح هوشیاری این محیطبان حکایت دارد. بنابر اعلام روابط‌عمومی ادارکل حفاظت محیط‌زیست خوزستان، او به‌شدت مصدوم و دچار خونریزی داخلی شده است. «داود اشرفی»، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست خوزستان، نیز وضعیت او را وخیم توصیف کرده و از مردم و دوستان‌ران محیط‌زیست خواسته بود برای بهبودی او دعاکنند.

«محمد عرب بیاراتی» متولد ۱۳۶۳ است و بیش از ۱۱ سال سابقه محیطبانی در خوزستان دارد. او دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ارزیابی محیط‌زیست، متأهل و دارای یک فرزند سه‌ساله است. بیاراتی پیش‌تر محیطبان شهرستان دشت‌آزادگان بود و به دلیل عملکرد و تلاش‌هایش به یگان حفاظت ادارکل منتقل شد. در آخرین آیین روز ملی محیطبان، هشتم آبان ۱۴۰۴، نیز به‌عنوان یکی از محیطبانان برتر مورد تقدیر قرار گرفت.

حادثه در هورالعظیم

ساعت ۵:۳۰ صبح جمعه، مأموران یگان حفاظت محیط‌زیست ادارکل خوزستان با یک دستگاه خودروی نیسان ناوارا دوکابین از اهواز به سمت هورالعظیم حرکت کردند. نیمه تابستان، هوای منطقه به‌شدت گرم است و گرما از زمین و آسمان می‌بارد. کار محیطبانان در تابستان خوزستان دشوارتر از همیشه است. در این فصل حتی هوای صبحگاهی نیز گرم است و هرچه به ظهر نزدیک می‌شود، دما بالاتر می‌رود.

یادداشت |

تغییر مدیر، بدون تغییر در نسبت مسئولیت و اختیار



ایمان ابراهیمی | احفاظت‌گرا

در حال حاضر، در سازمان حفاظت محیط‌زیست، چه در ستاد و چه در استان‌ها، دست‌کم ۵ تا ۱۰ مدیر حضور دارند که واقعاً شایسته‌اند؛ نه شایسته در مقایسه با مدیران معمولاً ضعیف دولتی، بلکه شایسته به معنای واقعی کلمه. افرادی که فارغ از اینکه چه دولت و جناحی بر سر کار باشد یا در چه دوره‌ای مسئولیت بگیرند، از دانش کافی، هوش، توان تصمیم‌گیری و قابلیت مدیریت برخوردارند.

با این حال، حتی در حوزه‌هایی که زیر نظر همین مدیران اداره می‌شود نیز آن تغییر چشمگیری که انتظار می‌رود، رخ نمی‌دهد. مجموعه‌های زیر نظر آن‌ها معمولاً منظم‌تر، حرفه‌ای‌تر و پاسخ‌گوترند و کمتر دچار اشتگی می‌شوند، اما در نهایت فاصله عملکرد آن‌ها با سایر بخش‌ها آن‌قدر نیست که بتوان آن‌را «تحول» نامید.

این وضعیت یک پیرش مهم را پیش می‌کشد؛ با وجود همین

محیط‌زیست

او می‌گوید شکارچیان معمولاً پس از دستگیری، برای محیطبان‌ها پیغام و پیغام می‌فرستند، آن‌ها را تهدید می‌کنند یا بر همین‌ارن محیط‌زیست فشار می‌آورند. اگر فاصله‌شان با محیطبان‌ها زیاد باشد و احتمال دستگیری ندهند، حتی به سمت آن‌ها تیراندازی می‌کنند.

الوندی، این حادثه را بخشی از ماهیت شغل محیطبانی و اتفاقی اجتناب‌ناپذیری می‌داند و می‌گوید: «درگیری با متخلفان و تعقیب و گریز شکارچیان، چه در آب و چه در خشکی، همیشه وجود دارد. ممکن است خودروی واژگون شود یا قاپق چپ کند. هنگام خلع سلاح متخلف نیز هر لحظه امکان دارد به سمت ما تیراندازی شود. برای نمونه، دوشنبه گذشته که سراسر استان به دلیل گرما تعطیل بود، در هورالعظیم گشت‌زنی داشتیم. شکارچی مسلح از خودرو پیاده شد و فرار کرد. وقتی تعقیبش کردیم، به سمت ما شلیک کرد که در نهایت دستگیری شد».

او می‌افزاید: «آنچه بیش از همه آزاربان می‌دهد، سرزنش‌هایی است که از دور و نزدیک می‌شنویم؛ نه فقط در مجموعه خودمان، بلکه از سوی برخی نهاد‌هایی که به آن‌ها مراجعه می‌کنیم، اطرافیان و حتی خانواده‌هایمان که می‌گویند وقتی شکارچی فرار کرد، دیگر نباید تعقیبش کنید. البته ما هم در برخی موارد از تعقیب منصرف می‌شویم و تا جایی که توان داشته باشیم، متخلفان را تعقیب می‌کنیم.»

پایش آتلاین، پشت دیوار جنگ

این پنجمین حادثه سال جاری است که به مصدوم شدن محیطبانان خوزستان منجر شده است. پیش از این، یکی از مأموران «پارک ملی دز» بر اثر حمله یک قاچاقچی چوب با اره‌برقی مصدوم شد. یک محیطبان نیز در «منطقه شکارممنوع قلعه شاداب» درفول هنگام درگیری با صیادان غیرمجاز آسیب دید. تیرماه امسال نیز دو محیطبان «پارک ملی کرخه» در درگیری با شکارچیان غیرمجاز مصدوم شدند و در «تالاب بین‌المللی شادگان» نیز دو محیطبان در درگیری با صیادان غیرمجاز زخمی شدند.

مصدوم شدن محیطبانان، وسعت مناطق حفاظت‌شده و تالاب‌ها، کمبود نیروی انسانی و به‌ویژه شرایط خاص اقلیمی خوزستان، توجه به حفاظت از جان محیطبان‌ها را به ضرورتی جدی تبدیل کرده است. به‌روزرسانی تجهیزات حفاظتی و انفرادی، استفاده از روش‌های نوین حفاظت مانند پایش آتلاین و نصب سامانه‌های هوشمند، از جمله راهکارهایی است که بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است.

الوندی می‌گوید: «در زمینه پایش آتلاین پیشرفت چندانی نداشته‌ایم و لازم است در مناطقی که ظرفیت آن را دارند، پایش‌ها به سمت آتلاین شدن حرکت کند. برخی مناطق حفاظت‌شده این قابلیت را دارند که در آن‌ها از تجهیزات الکترونیکی، دوربین‌های ثابت و متحرک یا پهپاد برای نظارت و حفاظت استفاده‌شود. این موضوع جزو برنامه‌های سازمان بود و سه منطقه نیز به‌عنوان پایلوت انتخاب شده بودند، اما به دلیل شرایط جنگی، اجرای این برنامه فعلاً متوقف شده است.»

عقب‌گرد در تجهیزات و حمایت قانونی

«سیدعادل مولا»، معاون محیط‌زیست طبیعی ادارکل حفاظت محیط‌زیست خوزستان، معتقد است برای کاهش درگیری‌ها، تأمین تجهیزات مناسب و حمایت قانونی از

محیطبانان باید در اولویت قرار گیرد؛ زیرا حفاظت نوین، به‌تنهایی درگیری‌ها را کاهش نمی‌دهد.

او به «پیام» می‌گوید: «یکی از امکانات نوین برای پایش، استفاده از پهپاد است که با آغاز جنگ، پرواز آن‌ها ممنوع شد و اکنون نیز استفاده از آن‌ها به مجوزهای خاص نیاز دارد. روش دیگر، نصب دوربین است که در همه مناطق کارایی ندارد. برای مثال، در جنگل‌های دزو کرخه به دلیل پوشش گیاهی انبوه، استفاده از دوربین چندان مؤثر نیست. استفاده از تلسکوپ اکنون در حال انجام است، اما این امکانات کافی نیست و هیچ‌یک جای حضور فیزیکی محیطبانان را در مناطق نمی‌گیرد. طرح پایش‌های نوین نیز اشکالاتی دارد که مهم‌ترین آن، حذف یا کاهش حضور میدانی محیطبان‌هاست.»

مولا تأکید می‌کند: «روش‌های نوین پایش بیشتر برای کارهای فنی و کارشناسی کارایی دارند؛ مانند پایش آتش‌سوزی‌ها، حیات‌وحش، آب‌شخورها، تصرفات، وسعت آن‌ها، وضعیت پوشش گیاهی و حوادث طبیعی و غیرطبیعی. اما این روش‌ها به‌تنهایی جلوی تخلفات را نمی‌گیرند و درگیری‌ها را کاهش نمی‌دهند. از سوی دیگر، همان بودجه اندکی هم که برای حفاظت نوین در نظر گرفته شده، محقق نمی‌شود و اجرای آن به مجوزهای متعددی نیاز دارد. برای نمونه، یکی از انجمن‌ها در پروژه گوزن زرد دوربین‌های تله‌ای خریداری کرده، اما ۹ ماه است که برای دریافت مجوز حراست سازمان در انتظار مانده‌ایم.»

او همچنین به کمبود تجهیزات مورد نیاز محیطبانان اشاره می‌کند و می‌گوید: «اکنون تجهیزات مناسبی در اختیار نداریم. مأموران یگان حفاظت باید به خودرو، موتورسیکلت، سلاح، شوکر باتوم، لباس و کفش مناسب مجهز باشند. شکارچیان با خودروهای قدرتمند در مناطق حفاظت‌شده تردد می‌کنند، اما محیطبانان ما با خودروهای چینی؛ تمیجه همین می‌شود که خودروی محیطبان هنگام تعقیب متخلفان تعادش را از دست می‌دهد و حادثه رخ می‌دهد. موتورسیکلت‌های ما هم

در گرمای شدید خاموش می‌شوند.»

معاون محیط‌زیست طبیعی ادارکل حفاظت محیط‌زیست خوزستان، مشکل حمایت‌های قانونی از محیطبانان را نیز یادآور می‌شود و می‌گوید: «محیطبان باید مطمئن باشد که قانون از او حمایت می‌کند، اما در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد. می‌گویند قانون تصویب شده است، اما پیروندهایی که داریم هنوز باز هستند و محیطبانان همچنان با مسئله

استفاده از سلاح درگیرند. وقتی تخلف یا اقدام به تخلف را به مراجع قضایی اعلام می‌کنیم، برای نمونه در زمینه قطع درختان جنگلی یا آتش زدن مزارع، از محیطبانان مستندات یا شاهد می‌خواهند. همین مسئله باعث می‌شود متخلفان محکوم نشوند و تلاش محیطبانان به نتیجه نرسد. از سوی دیگر، استفاده از بیمه مسئولیت نیز به دلیل روند اداری طولانی و پیچیده با مشکلات زیادی همراه است. برای مثال، محیطبان پارک ملی دز که در حمله یکی از متخلفان با از ره‌برقی از ناحیه دست به‌شدت آسیب دید، در مرحله کارشناسی درصد بسیار اندکی برای بیمه او در نظر گرفته شد و با وجود گذشت چند ماه و پرداخت ده میلیون تومان هزینه، هنوز نتوانسته است خسارتی از بیمه دریافت کند.»



پنهان می‌کنند.

بارها از بیرون پرسیده‌ایم: «اگر می‌دانستی شرایط تا این اندازه محدود است، چرا مسئولیت را پذیرفتی؟» اما ترجیح داده‌ایم فراموش کنیم که هنگام انتخاب همین افراد نیز از محدودیت‌های ساختار آگاه بودیم و در بسیاری از موارد، خودمان با تشویق، فشار یا ایجاد انتظار اجتماعی، آن‌ها را به پذیرش مسئولیت ترغیب کردیم.

سپس به‌سادگی این واقعیت را نادیده می‌گیریم که این انتخاب در خلأ صورت نگرفته و همه مسئولیت را بر دوش کسی می‌گذاریم که مسئولیت را پذیرفته است.

هدف از طرح این بحث، لزوماً مطالبه افزایش اختیارات سازمان حفاظت محیط‌زیست یا مدیران آن نیست، پیش از هر چیز، باید این تناقض را ببینیم: تناقضی که حل آن، از تغییر مداوم مدیران مهم‌تر است.

تغییر مدیر، بدون تغییر در نسبت میان مسئولیت و اختیار در بهترین حالت فقط نام فردی را عوض می‌کند که قرار است شکست‌های یک ساختار به نام او ثبت شود. مدیر تازه می‌آید، مدتی امید ایجاد می‌کند، سپس با همان نیروها، همان محدودیت‌ها و همان مراکز متعدد تصمیم‌گیری روبه‌رو می‌شود و چند سال بعد، او نیز به قهرست مدیرانی می‌پیوندد که گفته می‌شود «کار خاصی نکردند.»

پیش از آنکه دوباره بیرسیم چرا مدیران محیط‌زیست موفق نمی‌شوند، باید روشن کنیم مدیر واقعاً چه چیزی را مدیریت می‌کند و درباره چه موضوعاتی حق تصمیم‌گیری دارد.

تا زمانی که میان مسئولیت و اختیار تناسب برقرار نشود، بخش مهمی از آنچه «مدیریت» می‌نامیم، چیزی جز واگذاری مسئولیت شکست نخواهد بود.

معاون محیط‌زیست

طبیعی ادارکل حفاظت

محیط‌زیست خوزستان؛

شکارچیان با خودروهای

قدرتمند در مناطق

حفاظت‌شده تردد

می‌کنند، اما محیطبانان

ما با خودروهای چینی!

نتیجه همین می‌شود

که خودروی محیطبان

هنگام تعقیب متخلفان

تعادلش را از دست

می‌دهد و حادثه

رخ می‌دهد

فرمانده یگان حفاظت

محیط‌زیست خوزستان؛

شکارچیان معمولاً

پس از دستگیری

پیغام و پیغام می‌فرستند

محیطبانان را تهدید

می‌کنند یا بر

همیاران محیط‌زیست

فشار می‌آورند

اگر هم احتمال

دستگیری ندهند

حتی به سمت

محیطبانان

تیراندازی می‌کنند

واقعیت این است

که بسیاری از مدیران

محیط‌زیست مجموعه‌ای

را تحویل می‌گیرند

که بخش بزرگی از

نیروهای آن از پیش

تعیین شده‌اند

نیروهایی که گاه

نه امکان جابه‌جایی‌شان

وجود دارد، نه امکان

ارزیابی جدی عملکردشان

و نه حتی امکان

کنار گذاشتن افرادی

که آشکارا مانع پیشبرد

امور هستند

حتی اختیار پرداخت

پاداش مؤثر یا اعمال

تنبیه جدی نیز

در اختیارشان نیست



همایون چترزین

باشد. دعا می‌کردیم.» اما وقتی به گریوه رسیدند، دیدند پل ویران شده، یک طرفش ریخته و یک تانکر در آتش می‌سوزد. ساعت حدود دوازده‌ونیم شب بود. آنجا شلوغ بود و مردم برای تماشا آمده بودند. «ما را راه نمی‌دادند. گفتم دنبال برادرم می‌گردیم. آن ماشین سوخت‌ریسان را دیدیم که جلویش داشت می‌سوخت. جمعیت زیاد بود. داد زدم پلاک ماشین را بخوانید. می‌دانستند من خواهرش هستم. وقتی دیدند بقیه اعضای خانواده نرسیده‌اند، گفتند پلاک شما نیست.» خواهر شماره پلاک ماشین را از حفظ می‌گوید. «چند دقیقه بعد که داشتم مسیر خاکی آن اطراف را دنبال محمد می‌گشتم، برادر بزرگ‌ترم زنگ زد و گفت برگرد. او زودتر فهمیده بود ماشینی که روی پل است، مال محمد است. آدم‌ها را فرستاده بود سمت گریوه و پلاک را برایش خوانده بودند. گفت فقط بیا روی پل و بعد برگرد و وقتی به ماشین مامان رسیدی، هیچی نگو.»

راحله خودش روی پل رفت و دید همان است. بغض می‌کند: «پاهایم سست شد و همان‌جا افتادم. هرگز فراموش نمی‌کنم. برادرم پای تلفن گفت فقط سکوت کن که مادر و بقیه متوجه نشوند.» دقایقی بعد که ماشین دوم رسید، مردم نگذاشتند خانواده از ماشین پیاده شوند. گفتند این ماشین دیگری است، بروید. وقتی به خانه رسیدند، همه خبردار شده بودند. خانواده مؤیدی روزگار غم‌باری را می‌گذرانند. «دنیا نبود شده است. مامان فقط با دارو می‌خواهد. دکتر هر روز می‌آید و می‌رود. از آن وقت، یکی از برادرهایم دیگر به خانه نیامده است. علی، برادر بزرگم، به‌سختی با مادر روبه‌رو شد. خواهرم حامله است. همه می‌رفتیم، نه محمد. ما، هیچ‌کدام از اعضای خانواده، هیچ‌وقت نمی‌توانستیم نبودن یک نفرمان را تحمل کنیم. همیشه کنار هم بودیم. چطور می‌شود صبور بود؟ دنیا، همسر محمد، هم محصل است. امتحان نهایی دارد. محمد تشویفش می‌کرد درس بخواند. حالا نمی‌دانیم چطور ادامه بدهیم.»

محمد هم برادرش بود، هم رفیقش. «زیاد با هم تلفنی حرف می‌زدیم. پیغام می‌داد بیداری؟ خسته نیستی که صحبت کنیم؟ می‌گفت کار ما یک‌جوری است که احتفال دارد هر لحظه ما را بزنند و سالم از شرکت بیرون نیاییم.»

سدنا هنوز نمی‌داند پدرش دیگر برنمی‌گردد. «می‌پرسد بابا کجاست؟ می‌گویم بار زده، رفته راه دور و تلفنش در دسترس نیست. توی راه است. می‌گوید پس برایش صدا بفرستیم. می‌گویم اینترنت ندارد. هی می‌پرسد چرا همه گریه می‌کنند؟ صدای گریه که می‌آید، می‌رود توی حمام و آب را باز می‌کند تا نشوند.»

راحله با بغض می‌گوید: «محمد با شکم گرسنه شهید شد. اگر به هم رسیده بودیم، شام گرم می‌خورد. اگر این لعنتی‌ها زنده بودند، دور هم جمع می‌شدیم. حسرت به‌دل ماند که دخترش را ببیند.»

پرده آخر

عصر ۲۷ تیر هفت تابوت در مسجد جامع روستای نیمه‌کار کنار هم قرار گرفت. غریبه و آشنا از دور و نزدیک آمده بودند. اهالی می‌گویند این روستای کوچک تاکنون چنین شلوغ نشده بود. سیل جمعیت چنان بود که نماز را در خیابان خواندند. بعد، میان اشک و اندوه، هر تابوت راهی روستای خودش شد؛ پیکر مریم پراکنده‌دل، دخترش فاطمه و عبدالرحیم جعفری‌فرد در پس‌بست به خاک سپرده شد، محمد، همایون و مازیار در نیمه‌کار آرام گرفتند و سوگند در پُرکان گیشو به خاک سپرده شد.



محمد مؤیدی به همراه دخترش

سخت است. ما در یک شب چهار عزیز را از دست دادیم. مجبوریم تسلیم تقدیر باشیم، اما خدا لعنت کند باعث‌ویانی این جنگ را. ای‌کاش کسان دیگری مثل ما داغدار نشوند.»

«با کاکایک می‌روم آب‌تنی»

از شهدای آن شب، نام دو برادر تحت پوشش بهزیستی را بسیاری شنیده‌اند. خودرویی که «همایون چترزین» ۳۲ساله و «مازیار چترزین» ۱۱ساله سوار بر آن بودند، یک پژو پارس سفید بود که روی پل نیمه‌کار موشک خورد. نزدیک این پل، چشمه آب‌گرمی به نام «سیاه‌کش» قرار دارد. آنها از سیاه‌کش به خانه برمی‌گشتند.

عصر آن روز، پدر مازیار را به خانه همسایه می‌برد تا بچه‌شان بازی کند، اما او دست پدر را رها کرد و گفت: «می‌خواهم با "کاکایک" بروم آب‌تنی.» همایون را این‌طور صدا می‌کرد.

«حسن چترزین» که دو برادرش را از دست داده، می‌گوید: «داداش کوچکم، مازیار، چند روزی بود که می‌گفت من را ببرید آب‌گرم. همایون گفت هوا که خنک‌تر شد، او را می‌برم.» آنها همه در خانه بودند که نخستین انفجار با موج سنگین آن، همه را به حیاط کشاند. «مازیار همان وقت به مادر زنگ زد و پرسید کجایید.» با انفجار دوم و سوم، برق و آنتن تلفن قطع شد. «مادر دادوفریاد کرد که چرا هنوز نیامده‌اند؟ آب‌گرم آن‌قدر دور نیست. به‌دورفتیم به‌سمت آب‌گرم و دود را در آسمان دیدیم. آب‌گرم درست زیر همین پل طولانی بود و آنها آخر پل بودند که همه چیز تمام شد.»

حسن که پنج برادر و دو خواهر دیگر دارد، می‌گوید مازیار را همایون بزرگ کرد. «مادر توانایی نداشت. همایون بود که از همان کوچکی، شیشه‌شیر مازیار را آماده می‌کرد. از قلب مهربان همایون هرچه بگویم، کم گفته‌ام. پدرمان از قدیم‌الایام کار درست‌وحسابی نداشت. از همان کوچکی، همایون هم برادر ما بود، هم پدر ما. همیشه حمایتان می‌کرد و چیزی کم‌وکسر نمی‌گذاشت. خرج‌ومخارج خانه و مدرسه ما را می‌داد. ازدواج نکرده بود. نان‌آور خانه بود و هر وقت حرفش می‌شد، می‌گفت: «ازدواج کنم، کی خرج خانه را می‌دهد؟» مازیار ته‌نغاری بود؛ خوش‌اخلاق و عزیز خانواده. همه به او وابسته بودیم.»

دو برادر هر دو معلولیت چشمی داشتند. همایون سال ۱۳۹۵ در تصادفی یکی‌از چشم‌هایش را از دست داد. در آن تصادف، سر و کمرش هم ضربه دیده بود و دیگر نمی‌توانست کار سنگین کند. مستمری بهزیستی می‌گرفت. با آن سوزی که داشت، روزها که چشمش می‌دید، تا بندر خمیر یا شهرهای اطراف مسافر می‌برد. گاهی ماشینش را اجاره می‌داد و درآمدش از همین راه بود. انحراف چشم مازیار هم مادرزادی بود. در یکی از عکس‌ها، عینکش را به چشم زده و نقاشی‌اش را به دوربین نشان می‌دهد؛ دو درخت بزرگ سبز و یک خانه کوچک. مازیار در روستاشان، نیمه‌کار به مدرسه می‌رفت و تازه کلاس چهارم را تمام کرده بود. «بچه پرشوقی بود. یکسره می‌خواست بدود، بچرخد و بازی کند.» اکنون آن همه شوق زیر خاک است. «مادر هنوز قبول نکرده که برادرانم دیگر نیستند. پدر هم درد آن لحظه را که مازیار دستش را رها کرد، در سینه دارد.»

«برایم لباس و غذای گرم بیاورید»

«محمد مؤیدی»، نیروی سوخت‌ریسان شرکت نفت بندرعباس که همان شب بار زده بود تا آن را به پمپ‌بنزین پارسیان ببرد، به مقصد نرسید. در خاطر «راحله»، خواهر او، تصویری از بانکر محمد در حال سوختن روی پل «گریوه» به‌جا مانده است.

محمد آن روز به‌دلیل خرابی ماشین، یک ساعت و نیم در شرکت معطل شد. بعد با همسرش تماس گرفت و خواست برایش غذای گرم و لباس بیاورند و «سدنا»، دختر چهارساله‌اش، را هم همراه خود ببرند. «گفته بود اینها را توی مسیر ازتان می‌گیرم. گفته بود خیلی خسته‌ام و هوا گرم است. می‌خواهم سدنا را ببینم و این راه طولانی را با انرژی بروم و برگردم.» از بندرعباس تا پارسیان هفت ساعت راه بود. «مسیر پارسیان طولانی است. راهش بد است. جاده‌ها کم‌عرض‌اند. هر راننده‌ای بار آن طرف را نمی‌زند.»

راحله کارمند اداره ثبت اسناد و املاک استان هرمزگان است و هر آخر هفته پیش خانواده می‌رود. این هم آخر هفته‌ای دیگر بود. حالا که محمد زنگ زده بود، راحله و پدرش از یک طرف و دنیا، همسر محمد، همراه سدنا و مادر محمد با ماشین دیگری راه افتادند.

سدنا خیلی به او وابسته است. خیلی زیاد. این‌طوری که زنگش می‌زد یا پیام صوتی می‌فرستاد که «بابایی کجایی؟» گاهی تصویر می‌گرفت و می‌فرستاد و محمد هم تصویر خودش را می‌فرستاد. می‌گفت هرچه در گرما زحمت می‌کنم، به‌خاطر این دختر است. سدنا همه چیزش بود.»

وقتی جنگ به جنوب رسید، همه از محمد خواستند کارش را کنار بگذارند و به شرکت نفت نروند. «می‌گفت اگر ما نرویم، صف‌های پمپ‌بنزین طولانی‌تر می‌شود و کار مردم لنگ می‌ماند.» پدرش هم بار پارسیان زده بود. او هم در شرکت نفت کار می‌کند و ۳۰ سال سابقه دارد. «محمد از کوچکی همراه بابا به شرکت نفت می‌رفت. گواهینامه که گرفت، رفت سوخت‌ریسان شرکت شد. به این کار علاقه داشت.»

آن شب، جنگنده پایین پرواز می‌کرد و خودش را به همه نشان می‌داد. ماشین‌ها به نیمه‌راه رسیده بودند که صدای انفجار آمد. راحله به پل کهورستان رسید و دید راه بسته است. با پای پیاده راه را باز کرد تا پدرش ماشین را جلو ببرد. تلفن محمد که دقایقی پیش با همه صحبت کرده بود، دیگر در دسترس نبود. تا پل گریوه نیم ساعت راه بود. در آن شلوغی پس از انفجار، راه به‌سختی باز شد. راحله از انفجار پل‌ها به مادرش چیزی نگفت. فقط از آنها خواست به خانه برگردند. دلشوره به جان همه افتاده بود و هیچ‌کس حاضر نبود از این راه خطر برگردد. «جان‌کنندم تا از آن ترافیک بیرون آمدم و پل‌ها را رد کردیم. امیدمان این بود که فقط آنتنش پریده



گفت‌وگوی «پیام‌ما» با خانواده‌های هفت شهید حمله آمریکا به پل‌های شهرستان «خمیر»

حدیث دردمندی بازماندگان

«سوگند» پس از عبادت مادر، همراه همسرش «عبدالرحیم» به خانه بازمی‌گشت. «مریم» و دختر ۱۵ساله‌اش «فاطمه» نیز همراه آنها بودند. «همایون» و برادر کوچک‌ترش «مازیار» از آب‌تنی در آب‌گرم «نیمه‌کار» برمی‌گشتند. چند کیلومتر آن‌طرف‌تر، «محمد» با تانکر سوخت راهی پمپ‌بنزینی در پارسیان بود و قرار بود خانواده‌اش در میانه راه برای او غذای گرم ببرند. هیچ‌کدام از آنها به مقصد نرسیدند.



سوگند دردمند و عبدالرحیم جعفری

خواهرم بود. دور هم نشستیم، صحبت کردیم، خندیدیم و شام خوردیم. ساعت ۱۰ و نیم که شد، دامادم گفت برویم که صبح باید بروم سر کار.» پژوی ۴۰۵ به سمت روستای «پس‌بست» به راه افتاد و ساعتی بعد، صدای چند انفجار آمد. «تا ۴۵ دقیقه بعد از رفتنشان، هرچه تماس می‌گرفتیم، در دسترس نبودند. دوسه بار صدای انفجار از سمت نیمه‌کار آمد. نگران شدیم و تصمیم گرفتیم برویم بی‌شان.» چنان با شتاب رفتند که وقتی به پل رسیدند، هنوز دود انفجار در آسمان بود. نزدیک‌تر که شدند، دو ماشین سفید دیدند؛ یکی روی پل و دیگری در رودخانه افتاده بود. «دست‌ویایم را گم کردم. رفتم جلوتر و دیدم ۴۰۵ است. ماشین دامادم بود که کمی مانده به خروجی پل، موشک خورده و آتش گرفته بود. تکه‌ای از پلاک را پیدا کردم و مطمئن شدم. دیگر چیزی نفهمیدم.» صدای شیون، تارکیی شب را شکافت. دم صبح، تریلی ماشین را از آب بیرون کشید و آمبولانس پیکرها را برد.

سوگند در ویدئویی از مراسم عقد می‌خندد. داماد لباس مشکی به تن دارد و سوگند لباسی ساده و سفید پوشیده است. «عبدالرحیم» با چشم‌های درخشان، حلقه را به دست عروس می‌اندازد و او را می‌بوسد. آنها سه‌چهار ماه پیش عقد کرده بودند و حالا که هر دو در خاک آرام گرفته‌اند، آوازی غمناک روی تصویرشان گذاشته‌اند: «از ستاره تا ستاره گریه کردم، از همیشه تا دوباره گریه کردم.» سوگند هنوز نوجوان بود؛ متولد مهر ۸۹. «دختر اولم بود. خیلی خوب درس می‌خواند و در مدرسه همه از او راضی بودند. همه دوستش داشتند. دهم را تمام کرده بود و به کلاس یازدهم مدرسه کهورستان می‌رفت. عروسی‌اش قرار بود پنج، شش ماه بعد باشد، اما نمی‌خواست درس را رها کند. عبدالرحیم هم عین پسرم بود؛ مهربان و مؤدب. حالا همه را از دست داده‌ایم.»

مادر و نوزاد تازه‌اش چه؟ ابوطالب دردمند می‌گوید همسرش را به خانه‌شان در روستای «پُرکان گیشو» آورده‌اند و می‌پرسد: «با این همه درد، چطور مادری کند؟» مادر هنوز باور نکرده است، اما ناچار است با این غم زندگی کند. آنها اسم بچه را «صدرا» گذاشته‌اند؛ «چون سوگند این اسم را خیلی دوست داشت.»

فرزند مریم: همه ما تنها شدیم

«یوسف اکبری» که مادرش «مریم پراکنده‌دل» و خواهرش «فاطمه‌زهر» را در حمله آمریکا از دست



امهتاب جودکی ا روزنامه نگارا

در ششمین شب حملات پیاپی آمریکا به جنوب ایران، یعنی آخرین ساعات پنجشنبه ۲۵ تیر، هدف «زیرساخت‌های نظامی» اعلام شده بود، اما روی پل‌های شهرستان خمیر، یک دانش‌آموز، یک مادر، دو برادر تحت حمایت بهزیستی، یک راننده سوخت‌ریسان و دختر و پسری که مراسم ازدواجشان نزدیک بود، سوار بر سه خودروگرفته شدند. این داغ هنوز تازه است و خانواده‌های بازمانده اکنون از آن شب خونین می‌گویند.

آن شب، اهالی روستاهای این نقطه جنوبی هرمزگان چندین صدای انفجار شنیدند؛ موشک به پل «گریوه»، پل روستای لاتیدان (کلمتلی)، دو پل در



فاطمه زهرا اکبری و مادرش مریم پراکنده دل

مسیر کهورستان.لار، پل نیمه‌کار و پل روستای مارو برخورد کرد و از این میان، گریوه و نیمه‌کار به خون نشستند.

پدر دردمند

پژوی ۴۰۵ سفیدی که «سوگند دردمند»، «عبدالرحیم جعفری‌فرد»، «مریم پراکنده‌دل» و «فاطمه‌زهر» اکبری» مسافر آن بودند، به آن سوی پل «نیمه‌کار» نرسید.

تا یک هفته پیش از موشک‌باران پل، «ابوطالب دردمند»، پدر سوگند، گرفتار زایمان همسرش بود. پنجشنبه او را به بیمارستان بندر خمیر برده بود، اما «نابله‌هاگفتند وقتش نیست، بروید شنبه بیايید». آنها شنبه برای معاینه رفتند و دوباره شنیدند که «دو ساعت بعد بیايید». دو ساعت بعد نیز زایمان را به یکشنه ۲۱ تیر موکول کردند. «آخر همسرم سزارین شد. بچه که به دنیا آمد، حالش بد بود. بهش دارو تزریق کردند و ما را با آمبولانس فرستادند بندرعباس.» فرزند چهارم ابوطالب تا سه روز پس از آن انفجار و کشته‌شدن سوگند، در بیمارستان کودکان بندرعباس زیر دستگاه بود.

غروب پنجشنبه، سوگند و همسرش همراه «مریم پراکنده‌دل» - عمه مادر سوگند - و دخترش «فاطمه‌زهر» اکبری» به روستای «کلات» رفته بودند تا مادر و نوزاد را ببینند. پدر می‌گوید: «آنجا خانه

مازیار را همایون بزرگ کرد. همایون بود

که از همان کوچکی برای مازیار شیشه‌شیر آماده می‌کرد. از قلب مهربانش هرچه بگویم، کم گفتم‌ام پدرمان از قدیم‌الایام کار درست‌وحسابی نداشت

از همان کوچکی همایون هم برادر ما بود، هم پدر ما همیشه حمایتان می‌کرد و چیزی کم‌وکسر نمی‌گذاشت

هفت مرحله تا پادشکندگی بوم گردی

مرحله سوم ظرفیت تحمل



اسجاد حقیقت قهفرخی | کارشناس گردشگری

ظرفیت یک بوم گردی چند نفر است؟ اگر همه تخت‌ها پر باشد، ۲۰ نفر و اگر کف چند اتاق را برای خواب آماده کنیم، ۲۰ نفر به‌طورکلی، ظرفیت بوم‌گردی را با تعداد جای خواب می‌سنجیم؛ اما ظرفیت واقعی یک بوم‌گردی را نه تعداد تخت‌ها تعیین می‌کند و نه مترائ خانه. ظرفیت واقعی را توان صاحب بوم‌گردی برای ایجاد رابطه، نگهداری از خانه و حفظ کیفیت زندگی تعیین می‌کند.

بسیاری از صاحبان بوم‌گردی نگران‌اند که اگر ظرفیت کمتری اعلام کنند، توره‌ها و درآمد بیشتری را از دست بدهند. به همین دلیل، ظرفیت پذیرش را بیش از توان مدیریتی خود اعلام می‌کنند. این تصمیم ممکن است در کوتاه‌مدت درآمد بیشتری ایجاد کند، اما الزاماً به جذب مخاطب و پایداری بوم‌گردی منجر نمی‌شود؛ بلکه در درازمدت آسیب‌هایی به همراه دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

در شماره‌های قبلی گفته شد که وظیفه صاحب بوم‌گردی تنها ابرآوردادن اتاق نیست؛ او باید مخاطب و روایت بسازد. این کار تنها زمانی ممکن است که فرصت گفت‌وگو، هم‌نشینی و تعامل وجود داشته باشد. در بسیاری از توره‌ای پرتعداد، چنین فرصتی از میان می‌رود. مهمان بیش از آنکه با صاحب‌خانه ارتباط برقرار کند، با برنامه‌های تور و راهنمای آن همراه می‌شود و بوم‌گردی را تنها محلی برای اقامت می‌بیند. نقش صاحب بوم‌گردی در چنین رابط‌ای به خدمات‌رسان تقلیل پیدا می‌کند. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که بسیاری از صاحبان بوم‌گردی را دلسرد می‌کند؛ به‌ویژه کسانی که این کار را امری فرهنگی می‌دانند.

اگر بوم‌گردی را خانه‌ای برای گسترش فرهنگ و هنر، تعامل، یادگیری و کسب تجربه بدانیم، صاحب بوم‌گردی باید از خود بپرسد: با چند نفر می‌توان دور یک میز نشست و گفت‌وگویی دلنشین داشت؟ با چند نفر می‌توان تجربه‌ای ساخت که سال‌ها بعد در ذهن مهمان باقی بماند؟ با چند نفر می‌توان به روستاگردی پرداخت، بی‌آنکه آسیبی به روستا وارد شود؟ ظرفیت واقعی بوم‌گردی از همین نقطه آغاز می‌شود.

اما ظرفیت تنها به رابطه میان انسان‌ها محدود نیست. خانه نیز ظرفیت مشخصی برای تحمل دارد. بیشتر اقامتگاه‌های بوم‌گردی، خانه‌هایی تاریخی با روستایی‌اند که برای پذیرش دائمی جمعیت زیاد ساخته نشده‌اند. استفاده بیش‌ازاندازه از فضا، تأسیسات، آشپزخانه، سرویس‌ها و اتاق‌ها، فرسودگی ساختمان را شتاب می‌دهد و هزینه‌های سنگینی برای تعمیر و بازسازی به همراه می‌آورد.

نگاه ما به خانه نباید مصرف‌گرایانه باشد. خانه بوم‌گردی موجودی بی‌جان نیست؛ شست و خاک خانه، بی‌هیچ اغراقی، جان دارد و بخش‌بخش آن به استراحت، رسیدگی و نگهداری دائمی نیاز دارد. همان‌گونه که زمین کشاورزی با کشت بی‌وقفه حاصلخیزی خود را از دست می‌دهد، خانه‌ای که همیشه در مرز ظرفیتش کار می‌کند نیز آرام‌آرام فرسوده می‌شود و مهمان‌نوازی در آن به امری ناممکن بدل می‌شود.

از سوی دیگر، نخستین کسانی که از پذیرش بی‌حساب مهمان آسیب می‌بینند، خود صاحبان بوم‌گردی‌اند. خستگی جسمی، فرسودگی روانی و از بین رفتن کیفیت زندگی، هزینه‌هایی‌است که معمولاً در محاسبات اقتصادی دیده نمی‌شود، اما آگاه از هر هزینه مالی سنگین‌تر است. صاحبان بوم‌گردی باید به خود فرصت کافی برای استراحت و مهم‌تر از آن، سفر بدهند؛ در غیر این صورت، پس از مدتی این فعالیت به کاری فرسایشی تبدیل می‌شود و کیفیت خود را از دست می‌دهد. سفر و تعامل با بوم‌گردی‌های دیگر برای صاحبان این اقامتگاه‌ها امری حیاتی‌است.

پادشکندگی دقیقاً از همین‌جا و از همین جزئیات کوچک آغاز می‌شود. سیستمی که همیشه در مرز ظرفیت خود کار می‌کند، با کوچک‌ترین بحران آسیب می‌بیند؛ اما سیستمی که بخشی از ظرفیت خود را برای استراحت، تعمیر یا یادگیری و بازسازی حفظ می‌کند، در برابر بحران‌ها دوام بیشتری دارد. به همین دلیل، ظرفیت بوم‌گردی باید بر پایه کیفیت تعامل، سلامت خانه، توان میزبان و سلامت جسمی و روانی صاحب بوم‌گردی تعیین شود، نه صرفاً براساس تعداد تخت‌ها. در کنار این موضوع، نگهداری پیشگیرانه نیز اهمیت فراوانی دارد. ثبت منظم وضعیت تجهیزات، تعمیرات دورهای و تجربه‌های گذشته، از تکرار خطاها جلوگیری می‌کند. همچنین ثبت اطلاعات مهمانان، علایق آن‌ها و خاطرات مشترک، به‌مرور سرمایه‌ای ارزشمند برای شکل‌گیری جامعه‌ای از مخاطبان وفادار فراهم می‌کند. بانک اطلاعاتی مهمانان نتنها به حفظ ارتباط با مخاطبان کمک می‌کند، بلکه گنجینه‌ای ارزشمند است که در مطالعات مردم‌شناسی نیز به‌کار می‌آید. شبکه‌سازی، چه میان بوم‌گردی‌ها و چه میان بوم‌گردی و مخاطبان، سرمایه‌ای‌است که از ساختمان و تجهیزات نیز ارزش بیشتری دارد. در شماره‌های آینده، درباره تعمیرات پیشگیرانه، نقش شبکه‌ها و اهمیت آن‌ها در پایداری بیشتر می‌نویسیم.



۱۸۱

در چهل وهشتمین اجلاس کمیته میراث جهانی یونسکو چه آثاری تصویب شد؟

از بقایای جنگ جهانی تا فسیل ماهی‌ها

کمیته میراث جهانی یونسکو تاکنون ۲۵ اثر فرهنگی، طبیعی و مختلط را در فهرست میراث جهانی ثبت کرده است؛ مجموعه‌ای متنوع که از محوطه‌های فسیلی و بقایای جنگ جهانی دوم تا بناهای سنتی و نمونه‌های معماری مدرن را دربرمی‌گیرد. چهل‌وهشتمین اجلاس این کمیته از ۱۹ تا ۲۹ ژوئیه در بوسان کره جنوبی برگزار می‌شود؛ نخستین میزبانی این کشور از اجلاس میراث جهانی.



تاکید در چهل‌وهشتمین اجلاس کمیته اصبا رضایی | روزنامه نگار

یکی از پرونده‌های ثبت‌شده در این اجلاس، «آثار آلتو» در فنلاند است؛ مجموعه‌ای شامل ۱۳ ساختمان و محوطه مدرن در نقاط مختلف این کشور. این بناها از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۸۸ ساخته شده‌اند و تجسمی از جنبش مدرن سده بیستم به شمار می‌روند. این مجموعه، بناهای عمومی، اجتماعی و مسکونی واقع در شهرها و روستاها را دربرمی‌گیرد که در جهان با نام «آلوار آلتو» شناخته می‌شوند. این آثار در سنت‌های معماری و ساختمان‌سازی فنلاند ریشه دارند و هم‌زمان از اندیشه‌های جهانی معماری اثر ثبت‌شده و راهکارهای صیانت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان گفت‌وگو و تصمیم‌گیری می‌کنند. براساس اسناد رسمی یونسکو، امسال ۳۳ پرونده نامزدی در دستور کار کمیته قرار گرفته است. این پرونده‌ها شامل ۲۹ نامزدی جدید، دو پیشنهاد برای تغییر اساسی محدوده آثار ثبت‌شده، یک پرونده نامزدی مجدد و یک پرونده ارجاع‌شده از اجلاس پیشین است. براساس برنامه اجلاس، از ۲۱ تا ۲۴ ژوئیه وضعیت حفاظت از آثار ثبت‌شده، به‌ویژه محوطه‌های در معرض تهدیدهای ناشی از تغییرات اقلیمی، توسعه شهری، درگیری‌های مسلحانه و مخاطرات طبیعی بررسی شد. اعضای کمیته سپس از ۲۴ تا ۲۷ ژوئیه پرونده‌های نامزد ثبت را از ارزیابی کردند و درباره ثبت، تعویق یا ارجاع آن‌ها تصمیم گرفتند. پیش از آغاز این اجلاس، یک‌هزار و ۲۴۸ اثر از ۱۷۰ کشور در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار داشت. این فهرست، میراث فرهنگی، طبیعی و مختلط دارای «ارزش برجسته جهانی» را دربرمی‌گیرد و هدف از تشکیل آن، حفاظت و مدیریت پایدار آثار و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده است. تصمیم‌های این اجلاس تنها به افزودن آثار تازه به فهرست میراث جهانی محدود نمی‌شود. این تصمیم‌ها بر سیاست‌های بین‌المللی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی، تخصیص کمک‌های فنی و مالی و تقویت همکاری کشورها برای صیانت از میراث مشترک بشریت نیز تأثیر می‌گذارند. تعداد آثار ثبت‌شده در اجلاس امسال تاکنون به ۲۵ اثر رسیده است. در ادامه، برخی از این آثار معرفی می‌شوند.

میراث جهانی بررسی و ثبت شده‌اند؛ ۱۹ اثر فرهنگی، پنج اثر طبیعی و یک اثر مختلط که هم‌زمان دارای ارزش‌های فرهنگی و طبیعی است. در این اجلاس، نمایندگان ۲۱ کشور عضو کمیته میراث جهانی حضور دارند. آن‌ها علاوه بر بررسی پرونده‌های نامزد ثبت، درباره وضعیت حفاظت از ۱۴۷ اثر ثبت‌شده و راهکارهای صیانت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان گفت‌وگو و تصمیم‌گیری می‌کنند.

براساس اسناد رسمی یونسکو، امسال ۳۳ پرونده نامزدی در دستور کار کمیته قرار گرفته است. این پرونده‌ها شامل ۲۹ نامزدی جدید، دو پیشنهاد برای تغییر اساسی محدوده آثار ثبت‌شده، یک پرونده نامزدی مجدد و یک پرونده ارجاع‌شده از اجلاس پیشین است. براساس برنامه اجلاس، از ۲۱ تا ۲۴ ژوئیه وضعیت حفاظت از آثار ثبت‌شده، به‌ویژه محوطه‌های در معرض تهدیدهای ناشی از تغییرات اقلیمی، توسعه شهری، درگیری‌های مسلحانه و مخاطرات طبیعی بررسی شد. اعضای کمیته سپس از ۲۴ تا ۲۷ ژوئیه پرونده‌های نامزد ثبت را از ارزیابی کردند و درباره ثبت، تعویق یا ارجاع آن‌ها تصمیم گرفتند. پیش از آغاز این اجلاس، یک‌هزار و ۲۴۸ اثر از ۱۷۰ کشور در فهرست میراث جهانی یونسکو قرار داشت. این فهرست، میراث فرهنگی، طبیعی و مختلط دارای «ارزش برجسته جهانی» را دربرمی‌گیرد و هدف از تشکیل آن، حفاظت و مدیریت پایدار آثار و انتقال آن‌ها به نسل‌های آینده است. تصمیم‌های این اجلاس تنها به افزودن آثار تازه به فهرست میراث جهانی محدود نمی‌شود. این تصمیم‌ها بر سیاست‌های بین‌المللی حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی، تخصیص کمک‌های فنی و مالی و تقویت همکاری کشورها برای صیانت از میراث مشترک بشریت نیز تأثیر می‌گذارند. تعداد آثار ثبت‌شده در اجلاس امسال تاکنون به ۲۵ اثر رسیده است. در ادامه، برخی از این آثار معرفی می‌شوند.

محلّه مسکونی جنگلی زهلندورف به‌عنوان توسعه اثر زنجیره‌ای «مجموعه‌های مسکونی مدرنیستی برلین» در فهرست میراث جهانی ثبت شده و با ارائه نمونه‌ای متفاوت از معماری مسکونی مدرنیستی، این پرونده را تکمیل می‌کند.

هماهنگی با چشم‌انداز جنگلی، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل، استفاده از بام‌های مسطح و به‌کارگیری اصول ویژه در رنگ‌آمیزی و طراحی ججمی نماها از ویژگی‌های شاخص این مجموعه‌اند

شد. سازنات پس از آنکه به یکی از مهم‌ترین مراکز بودایی تبدیل شد، در سده دوازدهم میلادی رو به افول گذاشت و تا زمان کشف دوباره آن در سده هجدهم به فراموشی سپرده شد. این محوطه که امروزه در قالب دو منطقه باستان‌شناختی حفاظت می‌شود، همچنان یکی از مهم‌ترین مقاصد گردشگری و زیارتگاهی احیاشده برای بوداییان سراسر جهان به شمار می‌آید.

پایتخت‌های باستانی آسوکا و فوجی‌وارا در ژاپن

پایتخت‌های باستانی آسوکا و فوجی‌وارا در بخش جنوبی دشت نارا قرار دارند. این دو پایتخت کهن مجمع‌الجزایر ژاپن، در شکل‌گیری نظام دولت متمرکز بر پایه نظام حقوقی مدون چین، موسوم به «ریئتوریو»، نقش داشتند. این اثر که از ۱۹ بخش تشکیل شده است، کاخ‌ها و ساختمان‌های حکومتی، معابد بودایی و آرامگاه‌های تپه‌ای را دربرمی‌گیرد و شواهد باستان‌شناختی مربوط به پایتخت آسوکا، از سال ۵۸۸ تا ۶۹۴ میلادی، و پایتخت فوجی‌وارا، از سال ۶۹۴ تا ۷۱۰ میلادی، را در خود جای داده است.

پایتخت آسوکا در محل معبد آسوکا-درا، نخستین معبد بودایی ژاپن، بنیان نهاده شد. این محوطه‌ها در کنار یکدیگر ورود و استقرار عناصر اصلی نظام حکمرانی متمرکز اولیه در ژاپن را نشان می‌دهند. آن‌ها همچنین در شکل‌گیری و توسعه پایتخت‌های بعدی این کشور، از جمله نارا و کیوتو، نقشی تعیین‌کننده داشتند.

سواحل پیاده‌سازی نیروهای روز «دی» در نرماندی

این اثر زنجیره‌ای از شش بخش تشکیل شده است که در امتداد ۸۰ کیلومتر از خط ساحلی نورماندی قرار دارند. سواحل یوتا، اوماها، گلد، جونو و سورد و همچنین پوننت دو اوک، اجزای این مجموعه‌اند. این سواحل با عملیات پیاده‌سازی نیروهای متفقین در ششم ژوئن ۱۹۴۴، مرحله آغازین عملیات اورلرد، مرتبط‌اند؛ عملیاتی که سرآغاز آزادسازی اروپای غربی از اشغال آلمان نازی در جنگ جهانی دوم بود. این اثر بقایای مهمی از دیوار آتلانتیک آلمان را حفظ کرده است؛ از جمله سنگرهای بتنی، آتشبارهای تویخانه، پست‌های کنترل آتش و مواضع دفاعی. آثار برجای‌مانده از میدان نبرد، تجهیزات اصلی دوران جنگ و چشم‌اندازهای مهم یادمانی، از جمله گورستان آمریکایی کولویل-سور-مر، نیز در این مجموعه قرار دارند.

مرکز شهر مدرنیستی کدینیا

این اثر در ساحل دریای بالتیک قرار دارد و محورهای شرقی-غربی و شمالی-جنوبی شهر کدینیا را دربرمی‌گیرد. محدوده ثبت‌شده شامل بلوک‌های شهری طراحی‌شده در فاصله دو جنگ جهانی و ساختمان‌های برجای‌مانده در مرکز شهر از همان دوران است. مرکز شهر همراه با ساختمان‌های عمومی، ویلاهای واقع در تپه کامینا گورا و دیگر بناهای مسکونی این دوره، گسستی اساسی از معماری تاریخ‌گرا را نشان می‌دهد. این مجموعه، روند تبدیل روستای کدینیا به یکی از مهم‌ترین دروازه‌های دریایی جمهوری دوم لهستان در فاصله دو جنگ جهانی را بازتاب می‌دهد.

محوطه‌های صنعت چینی دست‌ساز جینگ‌دژن در چین

این اثر زنجیره‌ای، روند تکامل تولید چینی دست‌ساز را از سده دهم تا نوزدهم میلادی به تصویر می‌کشد؛ صنعتی که بر تولید، هنر و تجارت در چین و دیگر نقاط جهان تأثیری عمیق گذاشت.

این مجموعه از پنج بخش تشکیل شده است که مراحل مختلف تولید چینی را بازتاب می‌دهند؛ از استخراج و انتقال مواد اولیه تا نوآوری در طراحی کوره‌ها و سازمان‌دهی فضایی و اجتماعی تولید در مقیاسی گسترده. بخش شهری این مجموعه، کوره سلطنتی را در کنار کوره‌های خصوصی، اصناف و انجمن‌های بازرگانان در خود جای داده است. جینگ‌دژن یکی از مهم‌ترین مراکز نوآوری فناوری در تولید چینی بود. از دستاوردهای آن می‌توان به «فرمول دوتایی»، یعنی ترکیب کاتولن و سنگ چینی برای تولید محصولی باکیفیت، اشاره کرد. بازرش‌ترین و مرغوب‌ترین ظروف چینی در جینگ‌دژن تولید می‌شد. چینی‌های آبی و سفید و نقش‌ونگارهای شاخص آن به کالایی ارزشمند در تجارت جهانی و نمادی از

فرهنگ، هنر و مهارت صنعتگران چینی تبدیل شدند.

قلعه‌های جبل عامل در لبنان

این اثر زنجیره‌ای از پنج دژ استحکامی در منطقه تاریخی جبل عامل در جنوب لبنان تشکیل شده است؛ قلعه شقیف یا بوفور، قلعه تبینیا یا تورون، قلعه ذبیّه، قلعه دیرکیفا یا مارون و قلعه شمع.

این قلعه‌ها بر فراز تپه‌ها و یال‌های کوهستانی مشرف به مسیرهای مهم منطقه‌ای ساخته شده‌اند. آن‌ها شبکه‌ای یکپارچه از استحکامات دفاعی و مراکز اداری را تشکیل می‌دادند که بر رفت‌وآمد، ارتباطات و منابع کشاورزی در قلمرویی گسترده نظارت داشت.

این دژها از قرون وسطی تا سده نوزدهم میلادی توسعه یافتند و دوره‌های متوالی استقرار و بهره‌برداری صلیبیون، ایوبیان، ممالیک، عثمانیان و فرمانروایان محلی را بازتاب می‌دهند.

استحکامات، برج‌های اصلی، برج‌های دیده‌بانی، دروازه‌ها و بخش‌های مسکونی قلعه‌ها، شواهدی از تبادل مستمر دانش نظامی، فنون ساخت‌وساز و شیوه‌های مدیریت سرزمینی میان سنت‌های اروپایی و خاور نزدیک را حفظ کرده‌اند. این مجموعه همچنین تکامل معماری دفاعی و شکل‌گیری شبکه‌ای از دژهای استحکامی را در طول نزدیک به یک‌هزار سال نشان می‌دهد.

مساجد صخره‌ای و محوطه‌های مقدس مانگیستادور در قزاقستان

این اثر زنجیره‌ای در شبه‌جزیره مانگیستاد، در کرانه دریای خزر، قرار دارد و از پنج محوطه مقدس صخره‌ای و گورستان‌های گسترده پیرامون آن‌ها تشکیل شده است. این محوطه‌ها شامل بکت‌آتا، شویان‌آتا، کارامان‌آتا، شاکاپ‌آتا و سلطان‌آپه هستند. هرکدام از این مکان‌ها به یکی از مشایخ صوفیه منسوب‌اند و قدیمشان به فاصله سده‌های دوازدهم تا هجدهم میلادی بازمی‌گردد. این مجموعه‌ها که مردم محلی آن‌ها را «مساجد زیرزمینی» می‌نامند، گونه‌ای ویژه از بناهای مذهبی هستند که در غارهای طبیعی، دل صخره‌های شیب‌دار یا با حفر زمین در چشم‌انداز نیمه‌پایانی ایجاد شده‌اند. این محوطه‌ها در فرهنگ کوچ‌نشین فلات‌های مانگیستاو و اوستورت ریشه دارند. در این فرهنگ، معنویت صوفیانه اسلام با باورها و آیین‌های کهن مرتبط با احترام به نیاکان، قداست چشم‌انداز طبیعی و جایگاه رهبران معنوی پیوند خورده است.

این مکان‌ها در طول قرن‌ها از مهم‌ترین مقاصد زیارتی منطقه بوده‌اند. محوطه‌های مقدس صخره‌ای از فضا‌های کوچک تا مجموعه‌های پیچیده معماری را دربرمی‌گیرند و از نظر طرح و سازمان فضایی تنوع زیادی دارند. شبستان‌های نماز، محراب‌ها، اتاق‌های خلوت و مراقبه، فضاهای چندمنظوره و آرامگاه اولیا از اجزای این مجموعه‌ها هستند.

دژهای سلطنتی کاپتی در لانگدوک فرانسه

این اثر زنجیره‌ای از هشت محوطه استحکامی تشکیل شده است؛ قلعه و باروها‌ی کاراکسون و دژهای اگیلار، لاستور، مونسگور، پیرپورتز، پولولان، کربیسوس و ترمس. این مجموعه، بخش اصلی نظام دفاعی دودمان کاپتی را تشکیل می‌داد که در سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی و پس از جنگ صلیبی آلبیژوا ایجاد شد.

این استحکامات بر فراز صخره‌های ناهموار و در موقعیت‌های راهبردی ساخته شدند. آن‌ها ستون فقرات حوزه اداری تازه‌تأسیس سنشالی کاراکسون را شکل می‌دادند و اقتدار، سنشال، نماینده و فرماندار پادشاه، را بر سرزمین‌هایی تثبیت می‌کردند که پیش‌تر در اختیار خاندان‌های فئودالی مسقط بودند.

این هشت دژ در کنار یکدیگر، فرایند تثبیت سیاسی، نظامی و سرزمینی اقتدار ناج‌وخت کاپتی در منطقه لانگدوک را نشان می‌دهند؛ اقتداری که از طریق معماری باشکوه و هماهنگ با چشم‌اندازهای صخره‌ای و پرشیب منطقه تجلی یافت.

مجموعه مسکونی مدرنیستی برلین

محلّه مسکونی جنگلی زهلندورف میان سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۲ در جنوب برلین ساخته شد و یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های مسکونی مدرنیستی آلمان به شمار می‌رود.

ادامه مطلب را در سایت «پیام» مطالعه کنید.

ردیف	عنوان پروژه های مناقصه عمومی یک مرحله ای	محل اجرا	مبلغ برآورد (ریال)	مدت اجرا (ماه)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	تکمیل مدرسه ۱۲ کلاسه هیجان نیکشهر	نیکشهر	۶۹۴/۷۹۵/۱۳۸	۸	۶/۹۰۴/۲۸۹/۷۹۸
۲	تکمیل شایانه روزی مهرستان	مهرستان	۵۰۰/۷۹۰/۱۵۹	۶	۷/۹۹۳/۱۳۹/۵۲۵
۳	تکمیل مدرسه ۶ کلاسه در هنرهار هوشک سراوان	سراوان	۶۹۹/۴۸۱/۵۴	۴	۲/۷۰۱/۵۲۴/۰۸۴
۴	تکمیل مدرسه ۶ کلاسه کوهکن گلشن (مهربی بی رئیس)	گلشن	۶۲۱/۷۳۳/۱۲۹	۷	۶/۲۵۰/۷۳۸/۶۸۱
۵	احداث مدرسه ۶ کلاسه استقلال سیب و سوران	سیب و سوران	۵۰۲/۰۱۴/۹۹	۷	۴/۹۹۱/۷۰۰/۰۷۵
۶	احداث مدرسه ۳ کلاسه ایمان ریش پیش بم پشت	بم پشت	۳۸/۰۹۴/۷۷۹	۴	۳/۳۳۸/۹۵۴/۷۰۱
۷	احداث مدرسه ۶ کلاسه روستای درک بخش کاروان شهرستان زرآباد	زرآباد	۹۰۱/۸۹۹/۸۹	۶	۴/۷۹۱/۴۹۴/۹۹۵
۸	تخریب و بازسازی مدرسه ۶ کلاسه سولدان پیشین	پیشین	۸۰۰/۳۴۸/۳۹	۳	۱/۹۸۳/۳۱۷/۴۴۴
۹	احداث مدرسه ۱۴ کلاسه ابتدایی ناحیه دو مجتمع قدس زاهدان	زاهدان	۷۵۷/۶۲۷/۲۹۵	۱۲	۱۴/۷۸۵/۲۸۱/۳۸۷
۱۰	احداث مجتمع آموزشی ۱۸ کلاسه مهرشهر زاهدان	زاهدان	۹۷۶/۴۰۴/۳۳۵	۱۴	۱۶/۷۷۰/۲۰۲/۸۹۸
۱۱	تکمیل مدرسه ۶ کلاسه کهنک زهک (مافی)	زهک	۱۱۴۶/۶۶۰/۱۴۲	۹	۷/۱۴۳/۴۸۳/۰۰۷

شناسه آگهی: ۳۳۵۸۸۰۰۹۰۴۰۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵- تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶- اداره کل نوسازی توسعه و تجهیز مدارس استان سیستان و بلوچستان



(مناقصه عمومی یک مرحله ای)

مدیریت بانک کشاورزی استان زنجان در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه عمومی از طریق تأمین‌کنندگان دارای صلاحیت در خصوص موضوع مناقصه و در بستر سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به شرح زیر اقدام نماید:

۱- **نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار:** مدیریت بانک کشاورزی استان زنجان به آدرس: زنجان – بلوار هنرجو، روبروی هتل جهانگردی مدیریت بانک کشاورزی استان زنجان – تلفن ۳۳۷۷۹۹۰ – ۲۴

۲- **موضوع مناقصه:** خرید ۵ دستگاه سرور

۳- **نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** بصورت ضمانتنامه بانکی یکی از بانک‌های مجاز به مبلغ ۰۰۰/۵۰۰/۷۵۸ ریال (به غیر از بانک کشاورزی) بنام مدیریت بانک کشاورزی استان زنجان که حداقل ۳ ماه از تاریخ آخرین مهلت تسلیم پیشنهاده‌ها اعتبار داشته و تا ۳ ماه دیگر قابل تمدید باشد و یا واریز نقدی به شماره شبأ **IR 7401-6000-0000-0010-5322-5084** بنام سامانه ستاد – مدیریت بانک کشاورزی استان زنجان.

۴- **نحوه دریافت اسناد استعلام و هزینه آن:** کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد تا ارسال دعوئنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.

۵- **مهلت دریافت اسناد استعلام:** از ساعت ۷ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ تا ساعت ۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۱ اسناد مناقصه را از سامانه ستاد دریافت نمایند.

۶- **مهلت ارسال اسناد (پاسخ استعلام):** حداکثر تا ساعت ۱۱ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ می‌باشد.

۷- **زمان و محل بازگشائی پاکات مناقصه:** ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ – آدرس: زنجان – بلوار هنرجو، روبروی هتل جهانگردی – مدیریت بانک کشاورزی استان زنجان – طبقه اول- اتاق جلسات.

۸- مناقصه گزار در قبول پیشنهادات مختار است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵- تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

مدیریت بانک کشاورزی استان زنجان

ایلامی‌ها همچنان چشم‌انتظار اجرای طرح راه‌راه‌آهن‌اند

ریل ایلام معطل بودجه

طرح اتصال ایلام به شبکه ریلی کشور ۱۴ سال پیش آغاز شد، اما با پیشرفت ۲۰ درصدی همچنان با سرعتی کند پیش می‌رود



همچنان | ۱۶۰

ا راحیل حسینیان ا

روزنامه‌نگار

راه‌آهن هنوز به ایلام نرسیده است و صدای سوت قطاری در این استان شنیده نمی‌شود؛ صدایی که می‌تواند نشانه اتصال ایلام به مسیرهای تازه، بازارهای جدید و فرصت‌هایی باشد که پشت کیلومترها ریل نهفته‌اند. برای ایلامی‌ها، ایستگاه راه‌آهن همچنان به وعده‌ای دوردرست شباهت دارد. این در حالی است که طرح راه‌آهن اسلام‌آباد غرب ـ ایلام قرار بود این فاصله را کوتاه کند. آمار ۱۴ سال گذشته نشان می‌دهد بخش ایلامی این طرح در چهار قطعه اجرایی تعریف شده و قطعه نخست آن به طول حدود ۱۷ کیلومتر، تاکنون تنها حدود ۲ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

❧ چرا راه‌آهن ضروری است؟

مرز مهران از ابتدای دهه ۱۳۸۰ به مهم‌ترین گذرگاه تردد زائران عتبات عالیات در طول سال و به‌ویژه ایام اربعین تبدیل شده است. اتصال ایلام به شبکه سراسری راه‌آهن، با توجه به ۴۳۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق، همسایگی با سه استان عراق، امکان توسعه بازارچه‌های مرزی مهران و چلات دهلران، وجود صنایع پتروشیمی و پالایشگاه گاز ایلام، منابع و صنایع نفت و گاز در مناطق مرزی مهران و دهلران، صادرات کالا به عراق، قرار گرفتن در مسیر ترانزیت بین‌المللی و همچنین افزایش ظرفیت خدمات‌رسانی ریلی، از توجیه اقتصادی و فنی بالایی برخوردار است. سالانه بیش از چهار میلیون نفر از مرز بین‌المللی مهران برای سفر به عراق و زیارت عتبات عالیات تردد می‌کنند.

❧ ایستگاه‌های پُرقرارنوشیب

سال ۱۳۹۱ موضوع اتصال ایلام به شبکه ریلی کشور مطرح شد. بر اساس این طرح، مسیری به طول ۷۷ کیلومتر از طریق اسلام‌آباد غرب در استان کرمانشاه،

پیشرفت پروژه است. امسال ۲۵۰ میلیارد تومان اعتبار اختصاص یافته، در حالی که اجرای همین قطعه ۱۷کیلومتری به ۷۳۷ میلیارد تومان نیاز دارد. طبیعی است که پیمانکار نیز متناسب با اعتبار موجود کار کند و پروژه پیشرفت قابل توجهی نداشته باشد.»

او یادآور می‌شود که در سفر رئیس‌جمهور به ایلام در خرداد ۱۴۰۴ نیز اعتباری برای این پروژه در نظر گرفته نشد.

شریفی‌راد تأکید می‌کند: «برای اجرای کامل پروژه ۷۷ کیلومتری راه‌آهن ایلام، چهار قرارداد و حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است.»

او همچنین اتصال ایلام به شبکه ریلی را راهکاری برای کاهش ترافیک جاده‌ای می‌داند و می‌گوید: «با اجرای این پروژه، بخش قابل توجهی از تردد جاده‌ای به شبکه ریلی منتقل می‌شود و بخشی از مشکلات ناشی از تصادفات، به‌ویژه در ایام اربعین و حتی روزهای عادی، کاهش می‌یابد.»

❧ مرز مهران و تردد زائران اربعین

جغرافیای زاگرس، اجرای این پروژه را با چالش‌های فنی رویه‌رو کرده است. عبور مسیر از مناطق کوهستانی، نیاز به عملیات عمرانی سنگین، احداث ابنیه فنی و مدیریت هزینه‌های ساخت، اجرای پروژه را دشوارتر کرده است. نمایندگان استان ایلام بارها ضرورت اتصال استان به شبکه ریلی را با مسئولان وزارت راه و شرکت راه‌آهن مطرح کرده‌اند.

اسدالله چراغی، نماینده ایلام در مجلس شورای اسلامی، علت اصلی توسعه‌نیافتگی راه‌آهن ایلام را نبود مطالعات دقیق درباره مسیر کوهستانی می‌داند. او به «پیام ما» می‌گوید: «این پروژه زمانی به نتیجه می‌رسد که استان‌های همجوار نیز در آن مشارکت داشته باشند و منافع مشترک بررسی شود. در غیر این صورت، همان‌طور که طی بیش از یک دهه گذشته به نتیجه نرسیده، در آینده نیز پیشرفتی نخواهد داشت.»

به گفته چراغی، هم‌اندیشی استان‌های همجوار می‌تواند به انتخاب مسیر کم‌هزینه‌تر منجر شود. او با اشاره به مرز مهران و تردد زائران اربعین ادامه می‌دهد: «بیشترین زائران اربعین از مرز مهران تردد می‌کنند. بنابراین استان‌های همجوار نیز در این موضوع ذی نفع هستند و باید درباره بهترین مسیر و کم‌هزینه‌ترین گزینه به جمع‌بندی برسند. در غیر این صورت، حتی نسل‌های آینده نیز رنگ راه‌آهن ایلام را نخواهند دید.»

چراغی همچنین معتقد است در مرحله بعد، این خط ریلی می‌تواند از مرز مهران به عراق متصل شود و مسیر ایمن‌تر و کوتاه‌تری برای زائران اربعین فراهم کند. او می‌گوید: «زائران می‌توانند با قطار از تهران به مهران و سپس از مهران به عراق سفر کنند. این خط حتی می‌تواند به زائران استان‌هایی مانند فارس، اصفهان، کرمان، یوشهر، سیستان و بلوچستان و یزد نیز خدمات ارائه دهد. تحقق این هدف نیازمند بازنگری در طرح راه‌آهن ایلام و همکاری استان‌های همجوار است. طرحی جامع و دقیق، امکان جذب اعتبار را نیز افزایش می‌دهد. راه‌آهن برای ایلام یک فرصت است.» اهمیت راه‌آهن ایلام تنها به جابه‌جایی زائران اربعین محدود نمی‌شود. این استان ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه نفت و گاز، کشاورزی، گردشگری طبیعی و تجارت مرزی دارد و اتصال به شبکه ریلی می‌تواند حلقه ارتباطی این ظرفیت‌ها با بازار عراق باشد. با این حال، نبود راه‌آهن موجب شده بخش عمده حمل‌ونقل کالا همچنان بر دوش جاده‌ها باقی بماند.

از سوی دیگر، طولانی شدن اجرای پروژه‌های عمرانی همواره به افزایش هزینه‌ها منجر می‌شود و راه‌آهن ایلام نیز از این قاعده مستثنا نیست. هر سال تأخیر هزینه اجرای پروژه را افزایش می‌دهد و فاصله میان برآورد اولیه و هزینه نهایی را بیشتر می‌کند.

تسریع مولدسازی دارایی‌های دولت در ایلام

استان دانست. او تأکید کرد که اجرای این طرح نباید به نیازهای راهبردی و امنیتی دستگاه‌های انتظامی، شناسایی و برای مولدسازی آن‌ها اقدام کنند. به گزارش تسنیم، «سعید رشنودی» در نشست شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان گفت: «بهره‌گیری از ظرفیت‌های غیرمالیاتی برای مقابله با کمبود منابع مالی و افزایش درآمدهای استان اهمیت بالایی دارد.»

او با اشاره به مولدسازی دارایی‌های دولت افزود: «علاوه بر درآمدهای مالیاتی، ظرفیت‌های گسترده دیگری برای افزایش مداخله‌پذیری اقتصادی و درآمدهای استان با پایان سال وجود دارد که باید با جدیت بیشتری از آن‌ها بهره‌برداری شود.»

رشنودی شناسایی و فروش املاک مازاد دستگاه‌های اجرایی را یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین منابع مالی



رشنودی افزود: «تمام درآمدهای حاصل از فروش این املاک، مطابق ضوابط قانونی، به حساب وزارت امور اقتصادی و دارایی واریز می‌شود. تسریع این فرایند نقش مهمی در بهره‌مندی استان از مزایای مالی آن دارد.»

مسئوبه مولدسازی دارایی‌های دولت در آبان ۱۴۰۱ تأیید شد. براساس این مصوبه، هفتی هفت‌نفره متشکل از معاون اول رئیس‌جمهوری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر کشور، وزیر راه‌وشهرسازی، رئیس سازمان برنامه‌وبودجه، نماینده رئیس مجلس و نماینده رئیس قوه قضائیه مسئول اجرای این طرح شد. وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز دبیرخانه و مجری مصوبات این هیئت است.

دولت مولدسازی دارایی‌های خود را اقدامی برای اصلاح ساختار بودجه، افزایش بهره‌وری اموال مازاد و کمک به رشد اقتصادی می‌داند. این تصمیم از زمان تصویب با دیدگاه‌های موافق و مخالف روبه‌رو بوده است.

کمک فناوری به افزایش بهره‌وری کشاورزی در ایلام

رئیس بخش جنگل، مرتع و آب‌بهداری مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان ایلام با تأکید بر اهمیت فناوری‌های نوین در مدیریت منابع طبیعی گفت: «سنجش از دور به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای پایش و برنامه‌ریزی، امکان جمع‌آوری سریع و دقیق اطلاعات از سطح زمین را بدون نیاز به تماس فیزیکی فراهم می‌کند و در حفاظت از منابع طبیعی و افزایش بهره‌وری کشاورزی مؤثر است.»

«محمدرضا جعفری» در دوره آموزشی «اصول و مبانی سنجش از دور» افزود: «امروزه فناوری سنجش از دور در در بسیاری از کشورهای جهان به‌طور گسترده استفاده می‌شود. این فناوری امکان جمع‌آوری حجم گسترده‌ای از اطلاعات مکانی را در مدت‌زمانی کوتاه فراهم می‌کند تا به‌عنوان اطلاعات پایه در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مختلف به کار گرفته شود.»

او با اشاره به قابلیت‌های تصاویر ماهواره‌ای توضیح داد: «پوشش وسیع، تکرارپذیری تصویربرداری و امکان تحلیل دقیق داده‌ها موجب شده است استفاده هم‌زمان از فناوری سنجش از دور و تصاویر ماهواره‌ای در مطالعات کشاورزی و منابع طبیعی به یک ضرورت تبدیل شود.»

مدرس این دوره ادامه داد: «ترکیب داده‌های حاصل از مشاهدات میدانی با اطلاعات سنجش از دور و بهره‌گیری از شاخص‌های مختلف، امکان تهیه نقشه‌های به‌روز از سطح اراضی و کاربری‌های مختلف را فراهم می‌کند و دقت مطالعات و برنامه‌ریزی‌ها را افزایش می‌دهد.»

او تصاویر ماهواره‌ای را یکی از مهم‌ترین ابزارهای این فناوری دانست و گفت: «این تصاویر که توسط ماهواره‌های تحت مدیریت دولت‌ها یا شرکت‌های بزرگ تهیه می‌شوند، به‌منزله چشم انسان در آسمان هستند و امکان اجرای پروژه‌های ملی، منطقه‌ای، استانی و محلی را با صرف زمان و هزینه کمتر فراهم می‌کنند.»

جعفری از جمله مزایای استفاده از تصاویر ماهواره‌ای را تهیه نقشه‌های با مقیاس بزرگ، سرعت و صرفه اقتصادی در بررسی عوارض، دسترسی به تصاویر آرشویی، امکان سفارش تصاویر در زمان مناسب، بررسی مناطق وسیع و پراکنده و همچنین پایش مناطق صعب‌العبور و غیرقابل دسترسی بشمرد و افزود: «توسعه دانش و مهارت در حوزه سنجش از دور می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای مدیریت پایدار منابع طبیعی و افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی ایفا کند.»

تولید روزانه ۲۰ تُن زباله در «مهران»

با ورود گسترده زائران اربعین به گذرگاه مهران، روزانه بیش از ۲۰ تُن پسماند با مشارکت ۱۳۵ نیروی شهرداری و همراهی چند شهر معین از سطح این شهر مرزی جمع‌آوری می‌شود. به گزارش ایرنا، «حمدالله نصرت‌پور» شهردار مهران گفت: «این نیروها در قالب سه گروه ۴۵ نفره برای رفت‌وروب و پاک‌سازی معابر شهر در روزهای اربعین حسینی سازماندهی شده‌اند. در هر نوبت کاری، ۳۰ نفر به‌عنوان پاکبان و ۱۵ نفر نیز در بخش خدمات شهری فعالیت می‌کنند.»

او افزود: «جمع‌آوری پسماند در شهر مهران به‌صورت شبانه‌روزی انجام می‌شود و امسال با توجه به محدودیت توان شهرداری مهران، از ماشین‌آلات شهرداری ساری نیز استفاده شده است. روزانه در دو نوبت کاری، پسماند‌ها از سطح شهر جمع‌آوری و بین ۱۵ تا ۲۰ تُن پسماند به محل‌های تعیین‌شده منتقل می‌شود.»

شهردار مهران ادامه داد: «امسال افزون بر شهرداری ساری، نیروهای شهرداری‌های قزوین، اراک و کرج نیز به‌عنوان شهرهای معین در روزهای اربعین حسینی در مهران به زائران خدمت‌رسانی می‌کنند.»

روزانه نزدیک به ۲۰ هزار زائر ایرانی و عراقی از این گذرگاه رفت‌وآمد می‌کنند؛ رقمی که در اوج سفرهای اربعین به حدود ۴۰۰ هزار تردد در روز می‌رسد.

مهران هر سال در ایام اربعین حسینی میزبان میلیون‌ها زائر است؛ به‌گونه‌ای که سال گذشته نزدیک به هشت میلیون نفر از این گذرگاه رسمی و بین‌المللی تردد کردند.

گذرگاه مهران در ۹۵ کیلومتری جنوب‌باختری شهر ایلام، مرکز استان، قرار دارد.

آگهی مفقودی

کارت و برگ سبز سواری پژو پارس سفید- روغنی رنگ مدل۱۳۸۹ به شماره موتور 12489254168 و شماره شاسی 1AAN01CA0BK484340 UNAA01 شماره پلاک ۸۳ ۷۷۶ ۷۲ متعلق به خانم زهرا متقیان فر مفقود واز درجه اعتبار ساقط گردیده است . رودبار جنوب

روزنامه

www.payamema.ir

شنبه ۶ مرداد ۱۴۰۵
سال بیست و دوم
شماره پیاپی ۳۴۵۷

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰) توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۱۳۱۰۸۹) چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۴۵۶)

روزنامه سیاسی – اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی زیر نظر شورای سردبیری دبیر ویژه‌نامه‌ها: سینم شکوریان مدیر هنری: تیوا صددیان دبیر عکس: یاسر خدیشی

تمام دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰ شماره تماس: ۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۰۸، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶

تفاوت

گپ‌وگفتی با «فارس باقری»، مترجم کتاب «برشت در عمل»

هیچ فرم نمایشی ذاتاً انقلابی یا انتقادی نیست



ابابک احمدی | روزنامه نگار

«برشت» در ایران صرفاً یک نمایشنامه‌نویس خارجی نبود. او از دهه ۱۳۴۰ به بعد، به زبان مشترک روشنفکران، مترجمان و بخشی از تئاتر سیاسی ایران تبدیل شد. ترجمه‌های متعدد، اجرای آتاریش ونفوذ اندیشه‌های چپ در فضای روشنفکری باعث شد بسیاری از نمایشنامه‌نویسان ایرانی، آگاهانه یا ناآگاهانه، از او تأثیر بپذیرند. برخی پژوهش‌ها حتی او را مهم‌ترین تأثیر خارجی بر نمایشنامه‌نویسی مدرن ایران می‌دانند. باین حال، همین محبوبیت به شکل‌گیری یک سوءبرداشت نیز انجامید: تکنیک فاصله‌گذاری و تئاتر حماسی به چند تمهید تکراری خلاصه شد و تئاتر برشتی به تئاتری شعاری تقلیل یافت. بی‌آنکه این پرسش مطرح شود که برشت چگونه تمرین می‌کرد و باید‌دهای نظری او چگونه به ماده‌ای برای تمرین وساختن اجرا تبدیل می‌شدند. کتاب «برشت در عمل» نوشته «دیوید بارت» که به تازگی از سوی انتشارات «مانیا هنر» به بازار نشر عرضه شده است، می‌تواند به این سوءبرداشت پاسخ دهد؛ چراکه برشت به تئاتر نیاموخت چگونه پیام سیاسی بدهد، بلکه آموخت چگونه خود شیوه بازنمایی را به موضوع نقد تبدیل کند. از همین رو، اهمیت او نه در تکنیک فاصله‌گذاری، نه در تئاتر حماسی و نه حتی در نمایشنامه‌های مشهورش خلاصه می‌شود. اهمیت واقعی او در این است که هنوز ما را وامی‌دارد بیروسم؛ تئاتر چگونه جهان را می‌سازد و چگونه می‌تواند نشان دهد که این جهان، برخلاف ظاهرش، تغییرپذیر است؟

می‌توان از شمارگان کتاب‌های منتشرشده و میزان استقبال از آن‌ها آشکارا دریافت؛ با وجود اینکه کتاب‌های خوبی منتشر می‌شوند و ناشران خوبی نیز داریم، کتابی اساسی با شمارگان ۱۰۰ یا ۲۰۰ نسخه منتشر می‌شود و پس از سه سال نیز به چاپ دوم نمی‌رسد؛ آن هم با وجود ناشر و پخش مناسب. تئاتر ایران در این صد و اندی سال بیشتر تئاتر را تمرین کرده و «فکر درباره تئاتر» را به نفع «تمرین» وانهاده است. این دست از کتاب‌ها دوباره این امکان را برای ما فراهم می‌کنند که در کنار تمرین تئاتر، درباره آن نیز بیشتر تأمل کنیم. به گفته این مدیرس دانشگاه، درباره برتولت برشت

در میانه حملات مکرر آمریکا و گرمای ۵۰ درجه

صحنه تئاتر هرمزگان خاموش نشد

در روزهایی که جنوب کشور هم‌زمان با حملات آمریکا، گرمای طاقت‌فرسا و قطعی‌های مکرر برق را تجربه می‌کرد، صحنه تئاتر هرمزگان خاموش نشد. به گفته رئیس انجمن هنرهای نمایشی هرمزگان، حتی اصابت موشک در نزدیکی دفتر انجمن و پلاتوی اجرا نیز فعالیت‌های نمایشی را متوقف نکرد و هنرمندان استان کوشیدند در سخت‌ترین شرایط، چراغ تئاتر و امید را روشن نگه دارند. «حسین کریمی»، رئیس انجمن هنرهای نمایشی هرمزگان، با اشاره به شرایط دشوار ماه‌های اخیر

نوبت اول

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی

جهت برگزاری مناقصه عمومی دومرحله‌ای م ک ک ۱۴۰۵/۲۷ تقاضای شماره ۰۱-۱۴۰۴-۴۸ (الکتروپمپ کیلوزرین)

شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون (سهامی خاص) در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت انجام مناقصه عمومی برای تأمین پنج دستگاه (الکتروپمپ کیلوزرین)، موردنیاز خود را مطابق شرح درخواست در گزارش شناخت از طریق مناقصه عمومی با شماره فراخوان ۰۱-۱۴۰۴-۴۸ برگزار نماید. به همین منظور کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوت‌نامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت - ستاد - به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. در همین راستا لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت در سامانه ستاد، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق نمایند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ستاد ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ است. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوت‌نامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.

تاریخ مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ تا ساعت ۱۳ تاریخ مهلت ارسال پاسخ ارزیابی کیفی ۱۴۰۵/۰۶/۰۶ تا ساعت ۱۳ (از ارسال اسناد ارزیابی کیفی به‌صورت فیزیکی جدا خودداری نمایند)

آدرس دستگاه مناقصه گراز اهواز - ناحیه صنعتی کارون - شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون - ساختمان والفجر تدارکات و امور کالا - واحد خرید و بررسی منابع کالا

فکس: ۰۶۱-۳۳۳۴۸۰۸۶ تایید فکس: ۰۶۱-۳۴۱۰۰۳۴۱ تلفن: ۰۶۱-۳۳۳۴۷۸۰۳

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: دفتر مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۱۳۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵



شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون
«سهامی خاص»

شماره آگهی: ۰۱-۱۴۰۴-۴۸

روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز کارون

روزنامه سیاسی – اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی زیر نظر شورای سردبیری دبیر ویژه‌نامه‌ها: سینم شکوریان مدیر هنری: تیوا صددیان دبیر عکس: یاسر خدیشی

تمام دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰ شماره تماس: ۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۰۸، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶

تفاوت

می‌شناسیم، اما کمتر با این پرسش روبه‌رو شده‌ایم که این مفاهیم در فرایند واقعی تمرین، کارگردانی، بازیگری، طراحی صحنه و تولید نمایش چگونه به عمل تبدیل می‌شوند. «برشت در عمل» برای او جذاب بوده است؛ «این کتاب فقط درباره اندیشه‌های برشت سخن نمی‌گوید، بلکه نشان می‌دهد او چگونه فکر می‌کرد، چگونه در تمرین با بازیگران کار می‌کرد، چگونه متن را در جریان اجرا تغییر می‌داد و چگونه نظریه را به تصمیم‌های عملی صحنه‌ای تبدیل می‌کرد. به بیان دیگر، این کتاب فاصله میان «برشت نظریه‌پرداز» و «برشت کارگردان و نمایشنامه‌نویس» را از میان برمی‌دارد.»

برشت شخصیت‌ها را در دل ساختارهای اجتماعی امروز قرار می‌دهد
اما یک پرسش جدی این است که در رویکرد نظری و اجرایی برشت چه ویژگی‌هایی وجود دارد که پیشنهادها‌ی این هنرمند ونظریه‌پرداز تئاتر را همچنان با امروز و قرنی که در آن به سر می‌بریم، پیوند می‌دهد؟ این پیوند به‌گونه‌ای است که رد ایده‌ها و نظریه‌های برشت را همچنان می‌توان در آثار هنرمندان و گروه‌های معتبر بین‌المللی چون «کیتی میچل»، «توماس اوسترومایر» و گروه «ریمینی پروتکل» مشاهده کرد. باقری در این باره می‌گوید: «به گمانم، ماندگاری برشت بیش از آنکه ناشی از ابداع چند تکنیک نمایشی باشد، حاصل نوع نگاه و نگرش او به تئاتر است. بسیاری از نظریه‌پردازان و هنرمندان قرن بیستم، زبان و فرم تازهای برای تئاتر پیشنهاد کردند. اما زبان و فرم آنان اغلب به دوره تاریخی خود وابسته ماند. در مقابل، برشت روشی برای اندیشیدن درباره تئاتر ارائه کرد؛ روشی که بر این فرض استوار است که جهان اجتماعی همواره در حال تغییر است و بنابراین، تئاتر نیز باید بتواند این تغییرپذیری را آشکار کند.»

به گفته او، تا زمانی که انسان درگیر مناسبات قدرت، ایدئولوژی، اقتصاد، رسانه و تاریخ است، پرسش‌های برشت نیز زنده می‌مانند: «یکی از دلایل اصلی تداوم اندیشه او، تأکید بر فرایند به‌جای نتیجه است. برشت هیچ‌گاه نسخه‌ای قطعی برای اجرا ارائه نمی‌کند. حتی در نوشته‌های نظری‌اش نیز بارها هشدار می‌دهد که نباید روش‌های او به قواعدی ثابت تبدیل شوند. او دائماً از آزمایش، تجربه، بازیگری و انطباق با شرایط تاریخی سخن می‌گوید. همین ویژگی باعث شده است هنرمندان معاصر بتوانند از روح اندیشه او بهره بگیرند، به‌آنکه ناچار باشند فرم‌های دهه‌های گذشته را بازتولید کنند.» او اضافه می‌کند: «از سوی دیگر، برشت از نخستین هنرمندانی بود که رسانه را بخشی از ساختار اندیشه نمایشی می‌دانست. امروز که تئاتر با ویدئو، دوربین زنده، شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و رسانه‌های دیجیتال درهم‌آمیخته است، این نگاه بیش از گذشته اهمیت پیدا می‌کند. مسئله دیگر این نیست که آیا از فناوری استفاده کنیم یا نه، بلکه این است که فناوری چگونه شیوه دیدن، قضاوت کردن و فهمیدن ما را تغییر می‌دهد؛ پرسشی که کاملاً برشتی است. همچنین، برشت از نخستین کسانی بود که تماشاگر را شریک تولید معنا تلقی کرد. این دقیقاً همان تغییری است که او در نسبت میان صحنه و مخاطب پیشنهاد می‌کرد.»

به گفته باقری، به همین دلیل می‌توان رد اندیشه

تفاوت

«وچید دهشتکار» در روزهای آینده خبر داد و گفت: «به‌زودی نمایشی به کارگردانی وحید دهشتکار روی صحنه می‌رود و انتظار ما این است که مدیران فرهنگی با نگاهی ویژه از فعالیت‌های نمایشی بندرعباس و هرمزگان حمایت کنند.» کریمی تأکید کرد که حوزه فرهنگ و هنر نیز در شرایط کنونی به توجه و حمایت جدی نیاز دارد؛ «متأسفانه هر زمان صحبت از فرهنگ و هنر به میان می‌آید، نخستین موضوعی که مطرح می‌شود، کمبود اعتبار و مشکلات مالی است؛ درحالی‌که هنرمندان، به‌ویژه در استان‌هایی که در شرایط دشوار فعالیت می‌کنند، بیش از هر زمان دیگری به حمایت عملی و نگاه ویژه مسئولان نیاز دارند.»

او ادامه داد: «هرمزگان از ظرفیت ارزشمند جوانان

چهره

بابک کریمی در نقش یک موسیقی‌دان افغانستانی

بابک کریمی با بازی در یک فیلم خارجی در جشنواره ونیز حضور دارد. «نیکولا سورچینلی»، فیلمساز جوان ایتالیایی، نخستین فیلم بلند سینمایی خود با نام «بالکانا» را در بخش «روهای مؤلفان» جشنواره ونیز

امسال رونمایی می‌کند. کریمی در این فیلم نقش «نظر» را بازی می‌کند و «ایوار وفایی»، «ماتیلدا ِ آتجلیس» و «جیوانی توسکانا» دیگر بازیگران آن هستند. در خلاصه داستان این فیلم که در صربستان ساخته شده، آمده است: موسیقی در افغانستان ممنوع شده است و رهبر ارکستر و سرش، نوازنده ساز بادی توپا، می‌کوشد با مهاجرت از مسیر بالکان، زندگی تازه‌ای را آغاز کنند. آن‌ها در این مسیر که بی‌پایان به نظر می‌رسد، از یک پزشک زن ایتالیایی روبه‌رو می‌شوند. این ملاقات، زندگی دو پناهجو و زن جوان را تغییر می‌دهد. کریمی در فیلم‌های مطرحی همچون «جدایی نادر از سیمین»، «گذشته»، «ماهی و گربه»، «فروشنده»، «جنایت بی‌دقت»، «خانه دختر»، «بی‌همه‌چیز» و



روزنامه سیاسی – اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی زیر نظر شورای سردبیری دبیر ویژه‌نامه‌ها: سینم شکوریان مدیر هنری: تیوا صددیان دبیر عکس: یاسر خدیشی

تمام دفتر تهران: ۰۲۱-۲۸۴۲۱۹۱۰ شماره تماس: ۰۲۱-۷۴۲۲۷۱۰۵

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۰۸، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۰۳۴-۳۳۴۴۸۰۸۶

تفاوت

واکنش «حمیدرضا نعیمی» به استعفای مدیر تئاتر شهر معضل مدیریت‌های چندماهه

«کورش سلیمانی» روز یکم مردادماه امسال با انتشار متنی، استعفای خود را از مدیریت مجموعه تئاتر شهر اعلام کرد و نوشت پذیرفتن شرایط تحمیلی و ناصواب برای این مجموعه از او برنمی‌آید. روز دوشنبه، پنجم مردادماه، «اتابک نادری»، مدیرکل هنرهای نمایشی، با صدور حکمی مدیریت مجموعه تئاتر شهر را به «اصغر خلیلی» سپرد. به گزارش مهر «حمیدرضا نعیمی» نیز در یادداشتی به استعفای سلیمانی واکنش نشان داد و با انتقاد از سیاست‌های فرهنگی نوشت مدیر بدون اختیار و بودجه، یک سرایدار است. در بخشی از این یادداشت آمده است: «کورش سلیمانی، هنرمند ارزنده تئاتر، هم آمد و رفت. قطعاً عکس ایشان نیز در کنار عکس دیگر مدیران پیشین در اتاق مدیریت تئاتر شهر تهران نصب خواهد شد و تاریخ هم نخواهد فهمید که دستوراد این عزیز همچون ۹۰ درصد مدیران پیشین تئاتر شهر چه بوده است. آقایان و حضرات تصمیم‌گیرنده و مدیر، از وزیر تا وکیل، این چه وضع مدیریت فرهنگی و هنری تئاتر این مملکت است؟... البته که شما خوب ما را شناخته‌اید؛ می‌دانید از سنگ صدا درمی‌آید و از جماعت تئاتری نه! پس چرا باید برای یک عده الکی‌خوش وقت گذاشت، برنامه‌ریزی و هزینه کرد؟ به آنها برای تولید تاتر نه تنها پول نمی‌دهید که پول هم می‌گیرید! سانسورشان می‌کنید! همین که هماهنگ می‌کنید اجسادشان در قطعه هنرمندان دفن شود و روی زمین نماند، کافی است. تئاتر، مدیر و مدیریت می‌خواهد برای چه؟ اینکه مدیران و سرپرستان سه‌ماهه، شش‌ماهه و یک‌ساله بیایند و بروند، یک سیاست راهبردی و هوشمندانه است تا مدیر پس از رفتن بهانه داشته باشد و بگوید من مدیر موقت بودم، فرصتی برای اجرای ایده‌هایم نداشتم ...»

او در ادامه نوشته است: «مدیر بدون اختیارات

که مدیر نیست، سرایدار است. وقتی امنیت، آزادی عمل، حمایت و بودجه‌ای برای پیشبرد اهداف و کار وجود نداشته باشد، جز سرایداری چه انتظاری باید از مدیریت یک مجموعه فرهنگی یا اداری که داشت؟

برای تنویر افکار عمومی عرض می‌کنم که در یک سال اخیر، شخصاً چهار بار به دیدن آقای کورش سلیمانی رفتم تا پس از دو سال، اجازه اجرا در تئاتر شهر را داشته باشم. فرمودند تا یک سال همه زمان‌ها برای اجرا بر شده است و از عزیزانی هم نام بردند که اجرا خواهند داشت، عرض کردم برای سال بعد چه؟ گفتند هیچ قولی نمی‌توانم بدهم، اما قطعاً شما می‌توانید جزو اولویت‌ها باشید. عرض کردم در جایی یادداشت کنید تا اگر شما در جایگاه مدیریت تشریف نداشتید، بتوانم درباره یک سال مذاکره‌ای که با شما داشته‌ام، با سند مکتوب با مدیر بعدی صحبت کنم. فرمودند یادداشت هم نمی‌توانم انجام دهم تا مسئولیتی برای مدیریت آینده ایجاد نشود و او مجبور نباشد برنامه من را ادامه دهد. به زعم آقای سلیمانی، این احترام به مدیریت آینده بود.

انکون من و دیگر همکاران عزیز مانده‌ایم با مدیریت جدیدی که نمی‌دانیم چه کسی است و بحث را باید از کجا آغاز کنیم و پیش ببریم، حال یکی از شما بزرگان فرمایند یا یک سال حرف زدن و مذاکره شفاهی با مدیر مستقیم آسیب‌پذیرترین قشر فرهنگی این سرزمین هستند؛ اما با گذشتن از جان، عمر و مال خویش، در تمام این سال‌ها پامردی کرده و نگذاشته‌اند روح دیالوگ و اندیشه در سالن‌های نمایش بمیرد و خاموش بماند. این وضعیت مدیریت دیگر نمی‌تواند ناشی از اشتباه باشد... شما بگویید تا کجا قرار است پیش بروید؟»